پرچم

دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

بهای اشتراك
سالانه ۲۰۰ ریال شش ماهه ۱۰۰ ریال
سه ماهه در همه جا ۵۰ ریال

بهای آگهی
هرسطری: صفحه دوم ۴ ریال صفحه سوم ۳ ریال
صفحه چهارم ۲ ریال

جای اداره
خیابان لاله زار کوچه مهران پاساژ بختیاری
تلفن ۶۰۳۶

تك شماره ۵۰ دینار

چرا بادولت مخالفت میکنیم ؟ ..

— ۲ —

یك علت مهم دیگر آنست كه امروز یكدوره بسیار فوق‌العاده ای برای ایران پیش آمده و این باور نكردنیست كه این وزیران با این بیعلاقگی كه بایران نشان میدهند بتوانند درچنین هنگام سختی كاری ازپیش ببرند ، بتوانند این توده بدبخت را بجایی رسانند و از آسیب نگه دارند .

من نمیخواهم ازآینده پیش بینی كنم و بامردم را بترس اندازم آینده را جز خدانمیداند . ولی در زندگانی باید همه احتمالات را در نظر گرفت و خود را آماده آن گردانید .

همه میدانند كه از چند هفته پیش در بخش جنوبی جبهه آلمان و شوروی چه جنگهای خونینی در میان دوطرف می رود . بازهمه میدانند كه یكی از مقاصد آلمان در این جنگ دست یافتن بقفقاز است . و چنانكه می شنویم تا بدروازه آن كه رستف باشد پیش آمده اند . قفقاز كجاست ؟! .. قفقاز همسایه ایران است، قفقاز سرزمینیست كه وصل بكشور ماست .

بی گفتگوست كه اگر جنگ بقفقاز سرایت كند روسها سخت‌ترین دفاع را خواهند كرد و انگلیس و امریكا در رسانیدن كمك و مهمات جدیت بیشتر خواهندنمود و نیز پیداست كه در نتیجه آن جنگها در ایران نیز تكانهایی پیداخواهد شد سپس هم اگر آلمانها چیره درآمدند و بقفقاز دست یافتند درآنصورت یكی از میدانهای فعالیت متفقین ایران خواهد بود و جنگ بكشور ما نیز روخواهد آورد .

من نمیدانم درچنان روزی ایرانیان چه تصمیمی خواهند گرفت و بچه كارهایی خواهند برخاست ؟! . آیا درجنگ شركت خواهند نمود یا تماشاچی خواهند ایستاد ؟ . این چیزیست كه در پیرامونش بسخن درازی نیازهست . بالاخره ایرانیان باید این اندازه شایستگی نشاندهند كه باری راههارا باز نگاهدارند ، و ازعشایر و راهزنان جلوگیری نمایند ، و خواربار را بصورت منظمی اداره كنند ، روشنتر گویم : باری وسایلی برای زیستن خود تهیه نمایند واین نباشد كه درچنان روزی بابودن صد بیم و تشویش نان نیز نایاب گردد و وسایل زندگانی در دسترس نباشد .

باید برای آن زمان از امروز آماده گردید و یك تشكیلات بسامانتری داد كه در برابر پیشامدها ایستادگی تواند ، و این كار چیزی نیست كه ازعهده این دولت واین وزیران برآید . اینان در روز آرامش كاری از پیش نمی‌برند چه رسد بچنان روزهای سخت فوق‌العاده . اینان كدام شایستگی كدام دلسوزی از خود نشاندادند كه برای چنان روز سختی مورد اعتماد باشند ؟! .. اینان جز نشستن در اتومبیلهای شیك و بردن حقوقهای گزاف و صرف پول دولت در راه اغراض خود چكاری می‌توانند كرد ؟!

بعقیده كارشناسان جنگی اگر آلمانها قفقاز را گیرند و بچاههای نفت آنجا دست یابند از نیازمندیهایی كه به نفت و بنزین دارند بیرون آیند این جنگ سالها امتداد خواهد داشت . این عقیده‌ایست كه رادیو آنكارا اززبان كارشناسان نقل می‌كند و ما نیز پیش‌از این نوشته‌ایم كه بهمان عقیده‌ایم . كنون نتیجه آنست كه اگر آلمانها بقفقاز دست یابند سالها ایران میدان جنگ اروپائیان خواهد بود و گزند و آسیب جنگ را خواهد كشید .

این چیزیست كه احتمالش می رود ، و اگر رخ داد جای گله از كسی نیست و از ناله و بدگوئی نتیجه نخواهد بود . بلكه باید خود را آماده گردانید . باید ترتیبی ساخت كه باری اینمردم در زیرپای جنگجویان لگدمال نگردند . باید از امروز ایرانیان بی پروایی را كنار بگزارند و در اندیشه آینده باشند .

اینكه هر كسی تنها در اندیشه خود باشد و پیش خود چنین گوید بفلانجا می گریزم و بفلان تدبیررا می كنم سرتا پا بیهوده است . باید اندیشه همگی را داشت ، باید یك تدبیر همگانی كرد . باید مردان هوشمند و دانا با پیش گزارند و بكارهایی پردازند . اگر باز بی‌پروایی نمایند وچشم براه حوادث دوزند خدا میداند كه بچه آسیب هایی دچار خواهند آمد . چه گزندهایی خواهند دید . این طرز زندگی نیست كه اینمردم پیش گرفته اند . این شرط مردانگی نیست .

امروز مردم باید از دور و نزدیك بكارهای كشور علاقه مندی نشان دهند و همگی باین رفتارهای زیان آور دولت ایراد گیرند . كنون وقت آن نیست كه دولت را آزاد گزارند تا وزیران بهوس ودلخواه هرچه‌خواستند بكنند و خود را مسئول هیچ كاری ندانند وجز بافریب با توده‌راه نروند .

راجع بمصاحبه آقای نخست وزیر

تأمین خوار و بار

— ۳ —

راجع به خوار بار آقای سر وزیر فرموده‌اند در ابتدای دولت كنونی در سراسر كشور و شهرستانهای مختلفه كمیابی و خطر قحطی بعلل زیر موجود بوده است :

۱ - وضعیت سنوات قبل و آشفتگی پائیز سال گذشته

۲ - عدم مساعدت آسمان در بهار سال جاری

ودر خاتمه سخن گفته‌اند بامواعیدی كه متفقین بما داده اند ومساعدتهای اقتصادیكه بدولت ایران نموده و می‌نمایند بنظر نمیرسد كه خوار و بارمان كسر گردد !

صحت و قضاوت در حقیقت این موضوع‌را بعهده توده وا گزار میكنیم . بعقیده نگارنده در گذشته وضعیت خوارو بارایران چندان نامساعد نبوده‌است و در آشفتگی سال گذشته نیز بمحصول ایران چندان لطمه وارد نشده است بفرض اینكه در بعضی نقاط محصول خوب نبوده یا در شهریور ماه سال گذشته از بین رفته است این نقصان در مقابل اظهار وبیانات دولت كه مدعی استهزاران تن گندم از هندوستان وارد میكند ناچیز میباشد

و اما اینكه آقای نخست وزیر اظهار نموده اند دولت من در بارهٔ خوار بار توده اقدامات جدی نموده‌و بایستی منصفانه داوری نمود زندگی روزانه‌مردم‌نقاط‌مختلفه‌ایران حتی ساكنین مركزپاسخ این فرمایش را میدهد من میگویم آقای سروزیر اكنون كه موقع برداشت خرمن و گندم و آرد فراوان است بیوه زنها و پیره زنها و بیچارگان پایتخت صبح به نانوا خانه رفته تا ساعت ۱۳ بلكه بیشتر هزار نوع عجزولابه برای گرفتن یك‌قرص نان به نان فروش‌میكنند عاقبت بدون گرفتن نان مایوسانه باز گشت نموده شب گرسنه میخوابند .

ازسوم‌شهریور ماه سال گذشته برای‌بعضی‌از دهات قند و شكر و قماش داده نشده و روغن و مواد غذائی دیگردرمنزل شخص تولید كننده‌موجود نیست‌و درمنبع برنج‌مردم‌از گرسنگی‌بجان همدیگر افتاده و چارهٔ جز غارت وچپاول همدیگر راندارند هزاران‌جوربدبختی و فلكزدگی دیگر دامن گیر مردم شده، علت این همه آشفتگی چیست ؟ آیا بجز عدم رسیدگی ودقت وسعی وجدیت ودلسوزی و ناتوانی دولت چیز دیگر است ؟

و اما دولتهای متفق ما پس از ورود بخاك ایران طبق معاهده بما قول‌دادند كه كمك‌اقتصادی نمایند و بعدا از طرف دولت در مجلس اظهار شد میخواهند ما مشمول قانون وام و اجاره شویم ولی درد اینجاست كه چرا دولت از این مساعدتها استفاده نمیكند . اگر می كند پس چرا نان نداریم روغن نداریم — برنج نداریم — زجر و مرارت میكشیم ؟ لاستیك نداریم‌اتوموبیل نداریم بست هفته‌بهفته بشهرستانها نمیرود‌روز بروزبرمحرومیت های توده ایران افزوده میگردد ؟

ایران كشور كشاورزی است و اگر دولت دقت نماید محصول‌ایران برای‌بیست ملیون‌ساكنین كافی بلكه زیاد خواهد بود گذشته از اینكه متفقین هم بما كمك اقتصادی مینمایند آقایان وزراء اگر‌فقط فرمایند از اتومبیلها پیاده‌شوند وبدكاكین نانوائی سر بزنند و بمنزل فقراء و مسكینها و بیوه زنها یا بخانه‌های بغیر از همردیفان خود رسیدگی نمایند برای آنها واضح و روشن میگردد كه بنیاد اقتصادی ملت تا چه اندازه‌مختل و اسف اوراست فقر وفلاكت و بیچارگی ودر ماندگی تاچه اندازه دامن گیر مردم شده است بدین ترتیب جای هیچ

شیخ خزعل خان و كار های او

— ۴ —

مزعل در برابراین شكوه و دستگاه پادشاهی یك ناراحتی داشت ، و آن از رهگذر برادرش خزعل بود . چگونگی آنكه شیخ خزعل با آنكه ازبرادران كوچكتر او بود آرزوی جایگاه اورا میداشت ویكبار هم با چند تنی از سران عشایر همراز گردیده قصد كشتن برادر را كرده بوده كه خود درجایش بنشیند ولی قضیه كشف شده و كاری از پیش نرفته بود .

مزعل این كینه او را در دل میداشت و سختگیری بسیار با او می‌نمود و كسی چه داند كه قصد كشتن اورا هم نداشت .

درسال ۱۳۰۳ كه‌نویسنده‌این تاریخچه‌درخوزستان بودم روزی در مجلسی كه با شیخ خزعلخان بودیم شیخ‌درمیان گفتگو یاد آن روزهارا كرده چنین‌میگفت: « چندان ترس ازبرادر خود داشتم كه‌هربامدادی با این‌اندیشه ازرختخواب بیرون می‌آمدم كه‌امروز پایان زندگی من خواهد بود . شب نیز كه بدرون رختخواب می‌رفتم امید زنده ماندن تا بامداد راهم نداشتم . این بود كه در بیست وچند سالگی از هجوم اندوه مانند پیران سالخورده مو های سرم سفید گردید » .

باری مزعل وخزعل ده سال كما بیش با این حال كه هریكی دل ازترس و كینه آن دیگری‌پر داشت‌بسردادند‌وسرانجام پیش ازآنكه مزعل‌خزعل چاشت خورد خزعل برو شام خورد . باینمعنی كه با چند تن از غلامان خود همراز گردیده بار دیگر قصدكشتن برادرش را كرد و روز نخست محرم سال ۱۳۱۵ بهنگامیكه مزعل از كوشك قبلیه پایین آمده میخواست سوار بلم گردد آماج تیر تفنگش گردانیده ازپای در آوردند . بدینسان مزعل با دست برادر خود كشته گردید .

لورد كرزن می‌نویسد مزعل پانزده زن داشت ولی پسری نداشت مادام دیولافوا نیز از اندرون او كه خوددیده گفتگو می كند‌واز یك زن چركسی اوبنام تركان خانون كه درتفلیس و استانبول‌بزرگ شده وزبانهای روسی وتركی وفارسی و عربی را نیك می‌دانسته سخن میراند و تصویر اورا درمیان یادداشتهایش می‌آورد .

پس از كشتن مزعل شیخ خزعل جانشین او گردیدو‌بهمه دارائی اوازپول واملاك وجواهر و كشتی‌دست‌نملك گذاشت‌سران‌محیسن‌ودیگران بی آنكه‌ناخرسندی‌نمایند گردن‌بحكمرانی‌او گزاردند.از تهران‌نیزاز دربارمظفرالدینشاه بی‌آنكه‌بازخواستی نمایندو‌یاچون وچرایی كنندهمان سمت سرحدداری خوزستان و حكمرانی محمره و امیر تومانی قوج واقب معز السلطنه را برای این فرستادند و آن رفتاریرا كه با مزعل می كردند با این كردند . انگلیسیان‌نیز باین همان جایگاه را گزاردند .

چیزیكه‌بود خزعل‌دراین اندازه‌نایستاده بآرزو های دیگری برخاست و هرزمان بفزونی شكوه و دستگاه و دارایی كوشید و چون مرد هوشیاری بود دانست كه با دربار مظفرالدینشاه چه رفتاری كند . یكی از زیركیهای او این بود كه كسی را ازنزدیكان‌خویش با پولهای گزافی بتهران فرستاده اورا نگهبان دربار ساخت كه باصدر اعظمهائی كه می‌آیند ومیروند رابطه پیدا كند و با پول و یابا هدیه دیگری كسانی را از درباریان پشتیبان شیخ سازد وبكارهای او پیشرفت دهد چنانكه میرزاعلی اصغرخان اتابك یكی ز پشتیبانان او بود، ازاینرو حكومت‌اورا درمحمره وفلاحیه از تابعیت بحكومت خوزستان معاف گردانید كه یكسره با تهران سر و كار داشت سپس‌هم حكومت اهوازرا باوداد . نیز در سال ۱۳۱۹ همه زمین های این ور وآن ور رود كارون را كه خالصه دولت وخودزمینهای بسیار مفصلی بود با چند دیه دیگر با فرمان شاه باو واگزاردند . اینهاهمه در نتیجه هواداری‌اتابك بود . نیزخزعل با نظام السلطنه مافی كه یكی از وزیران بنام آنزمان بود ودر خوزستان نیزسالها فرمان رانده بود خویشی كرده دختر اورا بزنی گرفت . همچنین دختر برادرعین الدوله را زن‌خود گردانید . بااین خویشاوندیها هوا داران مهمی در دربار برای خودآماده گردانید این بود كار اوروز بروز بالاتر میگرفت چنانكه بجای معزالسلطنه‌لقب « سردار اقدس » برایش فرستادند ورتبه‌نظامیش را از امیر تومانی به «امیر نویانی» بالابردند .

گوبه‌گله نیست . اگر نویسنده از ناتوانی دولت چیزی نوشته كاملا جا داشته است دولت و ملت هر دو یكی واز هم غیر قابل تفكیك میباشند سر رشته دار را ملت برای رفاه وآسودگی‌خود تعیین میكند كه با خیال راحت مشغول كشت‌كار باشد و در امنیت و نشاط زندگی نماید‌اگر دولت از انجام این ماموریت نتوانست برآید توده حق دارد آنرا بردارد و یكی بجای آن تعیین نماید در این صورت هیچگونه جای شكوه و گلایه نیست .

س . ج آذربایجانی

بدخواهان مشروطه

سالارالدوله

یكی‌ازبدنامترین‌دشمنان مشروطه سالارالدوله است این شاهزاده كار های بسیار سبكی دارد و باید گفت‌نه‌تنهابدخواه‌مشروطه بلكه‌بد خواه آبروی ایران نیز بوده . درسال ۱۳۲۹ كه محمد علیمیرزا از راه استراباد بخاك ایران بازگشت این نیز از راه كردستان درآمد و كردان و لران رابسرخود گرد آورده بایك انبوهی بسیاری تاراجكنان رو بسوی تهران گردانید و همچنان پیش می آمد تا در نزدیكی های ساوه شكست خورده باز گردید . ولی پس از آن دو سال دیگر در كردستان و كرمانشاهان می زیست و هر زمان ازجای‌دیگری سردر می آورد و هرگاه كه باسپاه دولت رو برو می‌شد می‌گریخت . بدینسان تا دیر گاهی‌مایه خون ریزی و بی آبرویی بود تا سر انجام به بیگانگان پناهنده گردید و باروپا رفت و گویا هنوز زنده می‌باشد .

شیخ خزعل

این عكس جوانی شیخ خزعل را نشان میدهد هنگامی كه هنوز مزعل رانكشته بوده و در زیر سر - پرستی اومی زیسته . اینعكس نیزاز مجله « توردومندفرانسه » كه یادداشتهای مادام دیولا فوا رادارد نقل می شود عكس را از خزعل خودمادام‌دیو لافوا برداشته است .

— ۹ —

آزادگان

نگارش آقای واعظپور

۳ — تشكیلات آزادگان پس‌از شهریور ۱۳۲۰

این جمعیت (پیمانیان) را گفتیم كه برای دخالت در كار های یك كشوری (ایران تنها) نبوده ولی باشد این جمعیت میدانش‌بسیار وسیعتر است و آنگاه راه كارش جداست ولی با آن‌حالی كه پس از شهریور ۱۳۲۰ در ایران پیش آمده و رشته انتظام كشور گسیخته بود ما نمی‌توانستیم خود را بكنار بكشیم و بیطرف بایستیم مردمی كه در یك كشوری زندگانی می كنند نمی توانندنسبت بآن كشور و كار هایش بیعلاقگی نشان دهند .

پس از سوم شهریور دیده شد كه مردم ایران در بیست سال نه تنها جلو نیامده‌اند و نه تنهاعبرت نگرفته‌اند،بلكه‌یك‌چیزهایی‌رانیز فراموش كرده‌اند ازجمله مشروطه وحكومت و دموكراسی(بابعبارت فارسی‌سررشته‌داری‌توده) كه قانون اساسی‌ایران بروی آن تدوین گردیده در نظر ایرانیهاموهون‌- ترین چیزی‌شده و آن كوششهایی كه سالهای دراز در این راه كرده شده و هزار ها مردان ارجمند قربانی گردیده اند ، ایرانیان‌آنها رافراموش كرده و دیگر از مشروطه بدشان می آید جوانان تمایل به‌مشروطه را ننگ شمرده می گویند : « مشروطه كهنه شده» یامیگویند :« دیگر در اروپامشروطه را نمی پسندند »

آنوقت‌همین‌جوانان‌هریكی‌نغمهٔ دیگری می سرایند وویلان وسرگردان نمیدانند رو‌بكجا آورند . در چنین هنگامی كه پای‌بیگانه بكشورما رسیده‌بجای آنكه همگی‌یكراه را بپیمایند صد پراكندگی بمیان آورده‌اند و كسانی تنها بهوس آنكه گفته شودحزبی دارند ولیدر هستند بیباكانه پشت با باستقلال كشور نیزمیزنند . درآذربایجان كه مركز احساسات‌ایران خواهی وآزادیخواهی شمرده میشوددیده‌شد كسانی برخاستند وتنها برای آنكه حزبی‌باشندو‌خودنمایی هائی كنند گاهی دم از استقلال آذربایجان زدند، گاهی زبان تركی را عنوان كردند .

در برابر چنین نادانیها و گمراهی‌ها جمعیت پیمانیان صالحترین جمعیتی بودند كه دخالت كنند وبا بیان حقایق جلو گیری از رواج اندیشه های زهرناك پراكنده نمایند و جوانان را از گمراهی باز دارند .این‌بود كه درهمان هنگام‌ازهمه‌شهر ها كه پیمانیان هستند بخصوص از آذربایجان نامه ها رسید كه یاران می پرسیدند آیادراین موقع فوق العاده در میان این هیاهو چه باید كرد ؟ در خود تهران نیز بسیاری از یاران همان پرسش را می كردند در نتیجه اینها بود كه جلسه ای برپاگردید ودر آن جلسه آقای كسروی نطقی خواندند كه زیر عنوان « امروز چه باید كرد ؟ »بچاپ رسیده خلاصه آنمطالب آنست كه باید دید امروز ایران بچه كوششهائی نیاز داردو‌بآن پرداخت، وپیداست كه ایران در حكم امروز نیاز بیشتر بنگهداری مشروطه‌وترویج آن‌داشت كه‌باری‌اختلالی دراساس حكومت‌تولید‌نشود‌و‌شیرازه از هم گسیخته نگردد .

برای‌یكمردمی‌درقدم‌اول‌تعیین‌اساس‌زندگانی‌و طرزحكومت‌واجب‌است‌واین‌بدترین‌بدبختی‌است كه دریك كشوری‌قانون‌اساسی‌برروی‌اصول‌دمو كراسی باشد ومردم علاقه بآن نشان ندهند ویكدسته دم‌از هواداری استبداد زنند‌یكدسته به‌ترویج كمونیستی كوشند . یكدسته در آرزوی فاشیزم‌ودیكتاتوری باشند .

آگهی

برای تشویق خانه دارانی كه خواسته باشند باندازه مصرف خواربار منازل خود شان گندم یا آرد وارد كنند بادارات مربوطه دستور داده شد از این تاریخ تا آخر آبان ۱۳۲۱ پروانه مجانی بتقاضا كنند گان بدهند كه از فزونی زارعین ورعایا یا مالكین كه تعهد تحویل‌مازادغله خودرا بادارات دارائی داده باشند خریداری نموده‌و بشهر وارد نمایند

وزیر دارائی

شماره ۸۶۰ — ۱-۲

گزارش کشور

انحلال اطاقهای بازرگانی

قانون تشکیل اطاقهای بازرگانی مصوب دو تیر ماه ۱۳۲۱ بصحه همایونی موشح گردیده و و بدولت ابلاغ شده است که بموقع اجراء گذارند وزارت بازرگانی و پیشه و هنر بر طبق مقررات قانون مذکور درصدد تهیه ومقدمات انتخابات جدید اتاقهای بازرگانی برآمده وبطوریکه اطلاع یافته‌ایم برای اجرای این منظور دستور داده شده است که کلیه اتاقهای بازرگانی که موافق مقررات قانون سابق تشکیل شده بود منحل گردد تا انتخابات جدید اتاقهای بازرگانی برطبق قانون جدید انجام شود.

برنامه موسیقی دررادیو تهران

روز پنجشنبه ۸ مردادماه ۳۲۱

بخش دوم از ساعت ۳۰ـ۱۳ تا ۱۴ موسیقی کودکان.

بخش سوم – از ساعت ۲۵ـ۱۸ تا ۴۰ـ۱۸ ارکستر ایرانی. پیش‌درآمد افشاری آوازبا ویلن آقای خالدی ـ رنگ خواننده آقای تاج

بخش چهارم – از ساعت ۱۰ـ۲۰ تا ۳۰ـ۲۰ ارکستر ایرانی. پیشدرآمد نوا آواز با تار آقای شهناز ـ رنگ – خواننده آقای تاج

ازساعت ۵۰ـ۲۱ تا ۲۲ اشعار مثنوی (فلوت آقای میهن‌خواه باآواز آقای رسائی.)

برنامه‌گفتارهای رادیو تهران

روز پنجشنبه ۸ مرداد ماه ۳۲۱

ساعت ۵۰ـ۶ سخنرانی آقای عباس شاهنده راجع به‌جلوگیری از چاقی بوسیله ورزش.

ساعت ۱۵ـ۱۳ گفتار جغرافیا در باب پیشینه تاریخی شهر همدان

ساعت۱۹ گفتار کشاورزی در باره آفت‌خوشه بسته

ساعت ۱۰ – ۱۹ داستان بزغاله توسط آقای صبحی.

ساعت ۲۱ سخنرانی آقای‌راشد دربارهٔ‌حضرت علی علیه‌السلام

ساعت ۲۲ گفتار قضائی (بقیه گفتار کندی کار دادگستری در عالم و علاج آن بقلم آقای شمس‌الدین امیرعلائی)

مطالب دیگر این برنامه مطابق برنامه چاپی هفتگی است.

سخن‌رانی در رادیو تهران

روز جمعه نهم مرداد ساعت بیست‌و بیست‌دقیقه (هشت وبیست دقیقه بعد ازظهر) بانو طاهره دیبا در باب زندگانی زردشت بزبان هندوستانی سخن رانی خواهند کرد.

سخنرانی در رادیو

روز جمعه نهم‌تیرماه ۱۳۲۱ ساعت ۲۱ و ۵۰ دقیقه (نه و پنجاه دقیقه بعد از ظهر) خانم بیات‌در باب مضار آرایش‌وتشویق بانوان‌بزندگانی‌ساده و اجتناب از قبود در رادیـو تهـران سخن رانی خواهند کرد.

تهیه لاستیک اتومبیل

کارخانه شماره ۵ وزارت پیشه وهنر که‌برای ساختن ماسک ضد گاز بود بعد از وقایع شهریور ماه ساختن ماسک موقوف گردید برای آنکه کار تعطیل نشود کارخانه روش کار خود را تغییر داده و پس از یکی دوماه آزمایش بلافاصله در اثـر جدیت کارکنان کارخانه مشغول بهره‌برداری گردید بطوریکه در این مدت کلیه سفارشهای مربوطه بلوازم یدکی ماشین آلات کارخانه های دولتی از قبیل کارخانجات قند‌ـنساجی ـ برنج پاک کنی‌وزارت دارائی‌ـ اداره‌بی‌سیم پهلوی وزارت پست‌وتلگراف وزارت کشاورزی ـ کارخانجات ارتش وهمچنین موسسات ملی‌از قبیل شرکت نفت انگلیس‌وایران کارخانجات نساجی اصفهان و غیره را انجام داده و رضایت مشتریان را از هر حیث فراهم نموده باید تصدیق کرد که در این مدت کوتاه وبا وضعیت فعلی جنگ کنونی این کارخانه کمک‌مهمی به پیشرفت کارخانه های کشور شد و در صورتیکه این بهره برداری انجام‌نمیشد بعلت وضعیت کنونی ممکن بود وقفه در پیشرفت کار خانه های مورد بحث روی میداد‌ضمناً‌پروژه های دیگری برای ازدیاد‌محصول کارخانه وپیشرفت کارنیز دردست اقدام میباشد که با تصویب بعضی پیشنهادات بموقع اجرا گـذارده خواهد شد.

برای‌تهیه لاستیک تونی اتومبیل کارخانه‌اقدام نموده و به‌نتیجه مطلوب رسیده و برای ساختن و مرمت لاستیکهای رولی مشغول بررسی است.

گزارش در باره رضائیه

بنابگزارشی که ازفرمانده تیپ اعزامی به‌استان رضائیه بستاد ارتش‌رسیده درقسمت رضائیه‌واطراف امنیت برقرار و رعایا با کمال دلگرمی مشغول‌جمع آوری محصول میباشند و اکراد هم مزاحم اهالی نمیگردند ماموربن دولت جماهیر شوروی نیز از همکاری بـا ماموربن دولتی خودداری نمی‌نمایند.

اعانه بستمدیدگان رضائیه

کارمندان وسردفتران‌اداره ثبت اسناد کاشمر بتوسط بانک ملی مبلغ ششصد وهشتاد ریال اعانه برای آسیب دیدگان رضائیه باداره کل انتشارات‌و تبلیغات فرستاده و از اینکه پیش از این اعانه‌برای کمک بهمیهنان ستمدیدگان‌جمع آوری نشده اظهار تأسف کرده‌اند.

چهارمین جلسه محاکمه مختاری

سه ساعت و ده دقیقه پیش از ظهر دادگـاه تشکیل شد.

آقای رئیس – بعضی از اصحاب دعوا تقاضا کرده‌اند از من که در وسط پرونده‌سؤالاتی دارند ازمن بکنند این سؤالات درموقع خودبعمل خواهد آمد تمام اصحاب دعوا حق دارند چنین سؤالاتی بکنند ازآقای دادستان هم تقاضا میکنم هرسؤالی درموقع خودش بعمل بیاید.

عباس بختیاری برای تحقیق حاضر شود:

بموجب کیفر خواست دادستان دیوان کیفر شما متهمید که در هشتم دیماه ۱۳۱٦ مرتکب‌یعنی دخالت درقتل‌مرحوم‌فیروز بهمراهی حسین فرشچی وفولادی بنا بتحریک مختار داشته‌اید وهمچنین در شب ٤ خرداد ۳۱۵ شما وحسینقلی فرشچی‌دخالت درقتل مرحوم خزعل داشته اید بطوریکه در قضیه اولی هرسه مشترکا وارد اطاق فیروز شده وقتل بعمل آمده اینک شرح دهید کدام یک ازشما قاتل بوده‌ایدودرقضیه‌دوم شماوفرشچی شب باتفاق حسین خان پیشخدمت خزعل وارد اطاق شده و اوراخفه کرده‌اید اینک شرح‌دهید آیااعتراف باین دوبگناه دارید؟

تکذیب میکنم.

شما درسمنان بودید موقع فوت فیروز؟

بله

بچه مرضی مرد؟

فوت کرد؟

چه‌مرضی داشت؟

مدتی بود کسالت داشت

موقعی که‌فوت کرد سیف الله وحسینقلی‌فرشچی هم بودند؟

بله بنده هم در آنموقع مریض بودم

چه‌ساعتی فوت کرد؟

بعد ازظهر بود

از کجا فهمیدید؟

بنده را صدا کردند

کی صدا کرد؟ حسینقلی با فولادی

وقتی آمدم ازحمام دیدم‌فیروزفوت کرده

حسینقلی‌فرشچی مگر با شما سابقه بدی‌دارد

نه

حسینقلی‌فرشچی گفته است من وعباس‌فولادی داخل اطاق‌نصرت‌الدوله شدیم عباس اورا خفه کرد

دروغ میگوید بنده دستم تیر خورده و چهار انگشت دارم درصورتیکه گفته اند شش انگشتی هستم ایندستم

بچه مناسبت دروغ گفته؟

چه عرض کنم

فولادیهم گفته است شما وفرشچی مأموربودید که نصرت الدوله بکشید

دروغ میگوید بنده جانی‌نیستم۲۲ سال‌خدمت کرده ام،

بیانات فرشچی را برای شما میخوانم (بیانات فرشچی خوانده شد)

اظهارات اورا شنیدید چگونه میگوئید نبودم

تکذیب میکنم‌مریض بودم هم پایم تیرخورده بود هم دستم اینها دروغ است. چطور میتوانستم اوراخفه کنم‌اصلامن‌علیلم تا دم اطاق را که‌خودت اقرار کرده بودی.

بنده سواد ندارم اگر هم چیزی نوشته شده مال من نیست.

بخوانید بیاناتش را (بیانات بختیار درپرونده خوانده شد)

این بیاناتیست که نزد باز پرس خودت گفتهٔ.

نخیر قربان

این بیانات ازشما نیست؟

نخیرقربان اینهـارادوست کرده اند؛

کی درست کرده؟

اینها راهمان بازپرس درست کرده است؛

بیانات فولادی را برای تو میخوانند (خوانده شد).

بیانات فولادی راهم شنیدید؛

بنده مسئول اینکار نبودم بنده یک سرپاسبان بودم‌برای محافظت این شخص و از این کارها خبری ندارم.

امضاءخودتان راقبول‌دارید؛ درز برباز‌جوئیها امضا را قبول دارم ولی حرفها را خیر

شما مصدرمختار بودید درسمنان چه میکردید؛

بنده را کار آگاهی فرستاد

شما در کارآگاهی چه میکردید؟

بنده همیشه که مصدر نبودم

وقتیکه بسمنان رفتید مصدر بودید یـا در کار آگاهی؟

بنده در کار آگاهی بودم.

در صورتیکه در سمنان شهربانی بود شما را چرا فرستادند بآنجا؟

بنده نوکر بودم ازاینها چه خبر دارم

چندروزدرسمنان بودید که این واقعه پیش‌آمد

چه عرض کنم یکماه یا بیست روز درست در نظر ندارم؛ بنده هم مریض بودم

فولادی چه‌عداوتی‌باشما دارد که این اظهارات را کرده است؟

عداوتی ندارد قربان

مرض فیروز چی بود؟

بنده دکتر نبودم که (خنده تماشاچیان)

طبیب هم برای فیروز آوردید؟

بله یک پیر مردی بود

اسم او چی بود؟

نظرم نیست

راجع بقتل خزعل

نسبت بقتل‌خزعل دعوی مدعی‌العموم برای شما خوانده شد نسبت باو چه میگوئید؟

بنده منزل خزعل هیچ نبودم

شب چهارم خرداد چطور؟

هیچ واصلا از جریان اطلاع ندارم،

اظهارات عقیلی پوررا برای شما میخوانیم که در اینجا ذکر کرده است (خوانده شد)

خوب بیانات عقیلی‌پوررا شنیدید؛

دروغ گفته قربان، همین عقیلی پور وفرشچی مرا اغفال کردند بنده ۹ ماه در حبس مجرد بودم هی ازمن سؤال کردند که تو بگو مربوط بتونیست مربوط بمقدادی و مختاریست

بیانات فرشچی را برای تومیخوانم که درآنجا گفته است عباس رفت زود جلو و امـان نداد و پـاهایش را گذاشت اینطرف و آنطرف روی دستهای شیخ وگلویش‌را گرفت‌ومهلت‌نداداین‌بیانات فرشچیست

دروغ گفته قربان

بیانات خودش را بخوانید.

(بیانات خودش را خواندند)

باین‌بیاناتیکه خودتان کرده‌اید اعتراف‌میکنید که در هردو قضیه قتل دخالت داشته‌اید؟

قربان من از این قضایا اطلاع ندارم اینهارا نوشته دادند من امضا کردم

حسینقلی فرشچی

شمابموجب دعوی دادستان دیوان کیفرمتهمید باینکه درهشتم دیماه۱۳۱٦درسمنان‌درقتل مرحوم فیروز شما دخالت داشته اید باین معنی که شما و فولادی وعباس‌بختیاری وارد اطاق اوشده واورا خفه کرده‌اید وهمچنین درقتل شیخ خزعل درچهار خرداد ۱۳۱۵ باعباس متهمید که داخل اطاق او شده‌اید و اورا خفه کرده‌اید و این امر بر حسب دستور مختار و مقدادی‌بوده است اعتراف بگناه خود میکنید؟

تکذیب میکنم؟

اینها که درپرونده‌گفته اید تصدیق میکنید؟

خیر مال بنده نیست فقط جلسه اول مال بنده بودهو صحیح‌است‌وبقیه هرچه بنام منست‌ساختگیست وفقط امضای ذیل تحقیقات ازمنست

شما بچه مناسبت بسمنان رفتید

ماموریت.

برای‌چه ماموریتی؟

برای مراقبت

مراقبت کی؟

نصرت‌الدوله

مگر سمنان مامور نداشت؟

چرا

پس شما چرا رفتید؟

این را باید از رئیسم بپرسید؛

مگر شهربانی مستقلی نداشت؟

خیر یک پست بود

باکی‌رفتید؛

با عباس بختیاری وعقیلی‌پور وفولادی

مگر با آنها سابقه بدی داشتید؟

خیر

آنهاامضاهای‌خودشان‌راتصدیق کرده‌اند باشد معظمی وسلطانزاده وعقیلی پور وبنده‌رلیست که برای از بین بردن مختاری و مقدادی بـازی کرده ایم؛

گفتندبه‌بنده که‌برای‌از بین‌رفتن‌مختاری‌این‌رل را بازی کنید واگراجازه‌میدهید‌شرح‌دهم

بتاریخ ۱۸ آبانماه ۱۳۲۰ بود درساعت ۹ صبح‌عقیلی‌پوروعباس بختیاربوسیله‌سرهنگ‌درخشان معاون سر کلانتری‌وآقای‌رزاقی کارمند دیوان کیفر دستگیر شدیم با اتومبیل بختیاریها که‌همیشه در اختیارشان بود. آوردند دیوان کیفر تا ۷ بعد از ظهر ما را در سرما نگهداشتند وساعت هشت بازجوئی کردند در ساعت ۱۰ ما را فرستادند‌بزندان مجردو‌بطوریکه‌دستورفرمودند‌بدون زیرانداز‌ورو انداز‌ما‌را‌زندانی کردندغذاهم‌ندادند‌حتی‌بادیه‌خواستم زیر سرم بگذارم ندادند

شاهدبنده‌هم‌معاون دادستان‌تهران وبازرسان دادگستری میباشند

وآقای فیروزآبادی وعلی‌وکیلی بودند که‌ازطرف بنگاه حمایت زندانیان میآمدند. در اطاقیکه جای ۲۰ نفر بود ۳۰۰نفر راگنجانده بودند بوی‌عفونت‌و وجودسوزاک وسفلیس حال‌رابهم میزد وکسی‌نمی آمدتوآمدبدم دربوسیله پاسبان گفتم دارم ازبین میروم رماتیسم گرفته‌ام‌سرگیجه‌وضعف قلب گرفته‌ام وهمچنین در همان روز ها عرایض خود را مبنی بر بی تقصیری به پیشگاه همایونی‌ومجلس ودادگستری بعرض رساندم متاسفانه ترتیب اثر ندادند بعد از بسر بردن بااین وضع در زندان کـه از شرحش عاجزم یکروز آقای بازپرس بنده‌را احضارنمودند رفتم خدمت آقـای سلطان زاده باتمسخر از بنده احوال پرسی کردند گفتم‌دارم میمیرم

گفت میخواهی‌راحت شوی؟

گفتم البته

گفت آنچه ما میگوئیم بگو

گفتم چه‌بگویم؛

گفت امروزاقتضای‌سیاست دولت اینطوراست یکروز مختاری و مقدادی مقتدر بوده اندوامروز باید از بین بروند

گفتم بمن چه

گفت بگو بحسب امر آنها خزعل وفیروز از بین رفته اند

گفتم مگر من دیوانه ام یامگر انصاف اجازه میدهد.قانون را بیرون‌آوردومواد۰۰۰ رانشان‌داد که‌اگر اینطوربگوئی‌نجات‌پیدامیکنی‌پیش‌خودم گفتم بسیار خوب هرچه میخواهی بنویس

گفت به‌یکشرط که بروی عباس را درزندان حاضر کنی گفتم در زندان نمیتوانیم یکـدیگر را به بینیم

گفت دستورمیدهم شمارا آزاد کنند. دراین‌بین هم‌پول ومقام‌وتامین‌آنچه‌هم‌درنظر بودآمدم‌زندان به وسیله نظـافت چیها پیغام دادم بعباس گفتم هرچـه آقای سلطان زاده گفت اطاعت کن اگرمیخواهی راحت شوی

فردای آن روز مرا دو باره خواستند

گفت عباس را حاضر کردی گفتم واللّه پیغام داده ام

گفتم من باخزعل وسیاست چکار دارم

گفت با شما کاری نداریم وضعیت این است

گفتم‌مگراینهاچکار کرده اند غیر از خدمت کاری نکرده اند.

گفت‌نمونه اش را میگویم که تو بفهمی چون پلیسی بایدبفهمی منظور چیست برای نمونه یکیش را میگویم برای اینکه مفتی اعظم فلسطین فرار کرده بـاید اینهاازبین بروندواین‌سیاست دولتست

گفتم مفتی اعظم بمن چه

گفت خوب دیگر باید ازبین‌بروند

آقای‌معظمی‌چکی بمبلغ ۱۰۰۰ تومان بانک رهنی دادند پیش خدمت به بنده بدهند چک بانکرا گرفتم‌تا ساعت ۵ر۱۳ آقایان مشغول نوشتن‌بودند پس از اینکه هر چـه خواستند نوشتند و از بنده امضاء گرفتند این حرفها هم نشان میدهند که مال من نیست زیرامن معلومات‌قضائی‌ندارم‌وبلدنیستم

گفت میروم اجازه میگیریم پول بدهم بشما مجدداً مرا فرستادند بزندان تاعباس را راضی کنم.

رفتم زندان بوسیله نظافتچی پیغام دادم

ساعت سه بعد از ظهر بنده را آوردند دیوان کیفر آقـای سلطان زاده مشغول نوشتن پرونده خزعل شد ودر ساعت ۵ر۱٦ آقای‌معظمی باتلفن صحبتی‌باسلطان‌زاده کردوپای‌تلفن‌باخبر گفت آقای معظمی خیال‌نمیکنی اگر از من بپرسند پرونده‌ها چه شد چه بگویم

پس از ۱۵ دقیقه آقای معظمی آمدند

گفتم خوب کو پول؛

گفت عجله نکن‌مگرمیخواهی‌بری‌زندان‌اگر بگوبندمال کیست چه‌میگوئی؛

پرونده ها را از کیف در آورد وداد‌بسلطان زاده واز آنروز بنده را در دیوان کیفرنگهداشتند وآقای‌معظمی۱۰۰ تومان‌از آن‌پول‌بمن‌دادودیگرهم از بنده نه سئوال کرد ونه هیچ

در آخر هم‌گفتم مرحمت کنید بنده چندکلمه بنویسم

گفت مگر میخواهی از بین بروی؛ همین دلیل ودلایل زیاد دیگر میرساند که بیگناهم

شما که یکنفر پلیس بودید چگونه مطلع از قانون نبودید

بنده تا آنروز قانون نمیدانستم

شما چگونه برای‌هزارتومان اینکاررا کردید؛

بنده برای‌هزار تومان اینکار را نکردم‌برای تهدید بقتل بود؛

کی تهدید بقتل کرده‌آقای‌سلطانزاده‌ومعظمی با جی با امر

این توطئه را بآقای دادستان اطلاع دادید یا نه؟

بچه وسیله میتوانستم‌زیرانماینده دادستان‌خود معظمی بود

فولادی‌بچه مناسبت این اظهارات را میکند؛

عقیلی پور بچه مناسبت این بیانات را میکند؛

اینها هم مثل بنده شده اند

شما که علیحده تحقیقات داده اید؟

عرض کردم عقیلی پور را پنج روز قبل‌آورده بودند گفتم برادر اگر میخواهی راحت باشی این طور بگو

عباس بختیاری چرا این اظهارات را نسبت به شما کرد؛

آنهم همانطور

آخرین مدافعات خود را نزد کدام باز پرس کرده اید؛

آقای‌معزی وخواستم بنویسم نگذاشت‌وآقای معظمی هم آنجا نشسته بود

نیمساعت تنفس داده شد

یکساعت و ۲۵ دقیقه قبل از ظهردادگاه مجدداً تشکیل یافت:

حسینقلی فرشچی دنباله گفته های خود رابابن طریق ادامه داد.

تقاضا دارم قبل ازعرایضم از ریاست دادگاه کیفر که‌مظهرعدالت است ازآقای مرتضی کشوری سؤال‌شود چه پیغامی‌برای عباس‌بختیاری برده‌است

آقای کشوری ـ من پیغامی‌نبرده‌ام، اینجاجای تحقیق‌است‌جای سؤال‌نیست اظهاری داریدبکنید.

بقیه در صفحه سوم

تازه‌ترین خبرها

جبهه‌خاور – در قسمت های وروئژ و نواحی جنوبی و شمالی آن در جبهٔ بطول ۷۰۰ کیلو متر رزم با منتهی درجه شدت جریان دارد. ارتش سرخ با دلاوری سختی در مقابل حملات و ضربت های سخت نیروی محور ایستادگی نموده و بخصوص درقسمت وروئژ بحمله متقابله میپردازد.

در یکی از مناطق جنوب وروئژ واحدهای ارتش سرخ بخطوط دفاعی دشمن رسیدند ودر مقابل مواضع مستحکم نیروی محور بزدوخورد های شدیدی پرداختند.

فعلا نیروی شوروی در منطقه تسیملیانسکایا با نیروی محور در گیر نبرد است در یک نقطه نیروی محور با موفقیت کامل از روی رود دن عبور نموده ولی بقرار اظهار خبر گزاری شوروی این نیرو ناچار بعقب نشینی شده است. فعلا در منطقه با تایسک و بریانسک و جبهه فنلاند و حوالی لنینگراد زدوخورد سختی در جریانست.

جبهه مصر – دراین‌جبهه هنوزآرامش‌پایان نیافته ونیروی دوطرف هیچکدام دست بفعالیت شدیدی نبرده است. با آنکه برای هردو طرف مختصر قوای کمکی رسیده معذلک آنطور که بایستی هیچکدام فعالیت ظاهر نساخته و تنها بعملیات مختصر گشتی و شلیک توپخانه و بمباران هواپیما و اقدامات اکتشافی هواپیما اکتفا مینمایند.

جبهه‌خاور دور – اعلامیه دولت چین مشعر برآنست که قوای ژاپن در منطقه کیانگ ـ چانک در نتیجه حملات شدید نیروی چین عقب نشینی نموده‌اند.

نماینده لشگری چینیها اظهار میدارد شکافی که در راه آهن چکیانگ یکیانگسی در باختر کوکسی و در خاور هانفانک احداث شده بود و با کمال شدت در آن زدو خورد جریان داشت اخیراً بدست چینیها از بیست میل به پنجاه میل وسعت پیدا کرده است و دیگر خطر محاصره شدن برای‌قوای داخل شکاف در بین نیست.

کوششهای سیاسی

هاری مورفرماندار کنیا بزودی عازم لندن خواهد شد تا با وزیر مستعمرات راجع بمساعی جنگی گفتگو نماید

ژنرال لتسی کانادائی برای امور بازرسی و تقویت سیاست حفظ ارتباط بین افسران کانادائی و همکاران آنها در ماوراء دریاها وارد انگلستان شده است.

گاشی‌برژری سفیر کبیر دولت ویشی در ترکیه اظهار داشته است حال مزاجی لاوال خیلـی خوب نیـست و هنوز یک گلوله در نزدیک قلب وی باقی میباشد و همه روزه هـم از وقوع یک سوء قصد جدید هراسانست.

وندل ویلکی (رقیب روزولت) بخبر نگاران خبر گزاری انگلیس اظهار داشته است که تصمیم دارد بخاور میانه و اتحاد جمـاهیر شوروی و چین مسافرتی بکند ولی این مسافرت جنبه رسمی نخواهد داشت

باناکوبا نایب رئیس مجلس شورای ملی لهستان امروز از لندن وارد آنکارا شد و از آنجا باستانبول عزیمت کرد وی بروزنامه‌نگاران اظهار داشت که مسافرت من‌بترکیه برای تحکیم‌تماس سفارت لهستان وکنسولگریها بعمل آمده است مشارالیه بزودی عازم سوریه خواهد شد تا در آنجا نیرو هـای لهستانی و فراریان خاورمیانه را بازدید کند. وی اظهارداشت طبق اخباریکه بدست آورده‌ایم معلوم می شود عملیات تروری درلهستان شدت پیدا کرده است.

بقیه محاکمه مختاری

بقیه محاکمه مختاری

دلیل‌دومم - اول دستگیریها ما را از خدمت اخراج کردند و بزندان مجرد انداختند پس از آنکه ازبنده امضا گرفتند امر کردند بشهربانی ما را ازخدمت اخراج کنند درشب عید ۵۰ تومان ازبنگاه حمایت زندانیان دادند ، درفروردین حقوق ۵ ماهه عقب افتاده را دادند و پس از تسلیم ادعا نامه باز حقوق۱۰ را دادند . غیراز این‌عرضی ندارم

سیف‌الله فولادی

بموجب‌ادعانامه دادستان دیوان کیفر شما‌متهمید باینکه درشب‌بیست وششم دیماه ۱۳۱۶ در سمنان دخالت در قتل مرحوم فیروز نموده و باتفاق عباس بختیاری و حسینقلی فرشچی وارد اطاق او شده و بدون اینکه معلوم شود قاتل کیست او را خفه کرده و این معنی و این عمل بر حسب بعث و تحریك مختار و مقدادی بوده است اعتراف بگناه خودتان دارید یا نه ؟

من از این قضیه بی‌اطلاعم

شما در موقع فوت فیروز سمنان بودید ؟

بله

چه سمتی داشتید ؟

ازتهران آمده و مأمور مراقبت فیروز بودم

شما تنها بودید یا دیگران هم بودند ؟

ابتدا چند نفر درسمنان بودند بعداً از طهران سه نفرآمدند .

این سه نفر را برای چه عوض کردند ؟

چه عرض کنم

شما که رئیس بودید نفهمیدید چرا عوض کردند ؟

خیر کسانی که عوض کردند باید بدانند ،بهبنده صریحا چیزی نگفتند

بکنایه چطور ؟

بکنایه ؟

هیچ گفتند بیایند سمنان

این سه نفر چند مدت درسمنان بودند ؟

تقریباً ۱۳ روز

شما مگر سمت ریاست‌این سه نفر را نداشتید و رئیس آنها نبودید ؟

جریان اینها برحسب گزارشهای خودشان‌بود

شما چه میکردید ؟

بنده‌گزارشهای ایشان را بطهران میفرستادم

چه روزی نصرت‌الدوله فوت کرد ؟

بیستم دیماه ۱۳۱۶

دکتر اورا معاینه کرد ؟

بله دکترمعتمد او را معاینه کرد

دکتر معتمد میگوید من نیامدم برای معاینه چرا آمد بتصدیقش مراجعه کنید

شما با عباس‌بختیاری وفرشچی‌سوابقی‌داشتید ؟

خیر و اولین مرتبه درسمنان ایشان را دیدم

بیانات خودتان را برای شما میخوانم که مخالف با اظهارفعلی خودتان است (خوانده شد)

این بیانات شما حاکیست از اینکه میدانستید تصمیماتی درباره قتل‌نصرت‌الدوله گرفته‌شده ومختار و مقداد تصمیم بقتل او داشته اند و خودتان اینها را گفته اید .

گفته اید اطلاع دارم

درچه موضوع اطلاع دارم ؟

درقتل و اقدام بقتل

اینها تصورات من‌بود و تلگراف هم کرده‌ام که در آنجا تمام حالا مرده است یا کشته شده است کاری ندارم

چه‌کسی میخواسته اینها را بکشد ؟

مامورین

کدام مأمورین ؟

مأمورینی که از تهران آمده بودند

یعنی کیها ؟

حسینقلی فرشچی و عباس بختیاری

بسیار خوب پس شما در اینجا اعتقاد دارید به اینکارها .

آقای‌رئیس‌خطاب بمنشیان‌بنویسید اظهارات حسینقلی‌فرشچی‌راقبلادراین‌جاخوانده‌شدلابدمطلع شدیداواظهار کردهوقتیکه‌هرسه‌داخل‌اطاق شداند .

حسینقلی قهوه را داده عباس گلویش‌را گرفته وفولادی روی پایش نشسته‌چگونه میگوئیدمداخله نداشتید .

پس‌چه سابقهٔ بدی داشته اید که این اظهارات را حسینقلی کرده است حوادث سوءازنظر گزارشی بوده‌که بدادسرا داده ام

اظهارات عقیلی پور راچه میگوئید اومیگوید شما سه نفر کشته اید .

او هم از دوستان اینهاست و هرسه با هم از تهران آمدند و اظهارات اینها تماما مورد تکذیب بنده است

شما با اینکه رئیس‌این سه نفر بوده ایدچگونه بی‌اطلاع شمااین اقدام بعمل آمده .

بنده اطلاع نداشتم و مأمور این کار هم نبوده ام .

شما حدث میزنید بچه ترتیب کشته شده

نمیدانم

نمیدانید بچه ترتیب کشته شده .

خیر فقط از روی ادعانامه ها میدانم‌خفه شده

عقیلی پور آنروز کجا بود .

محمد گماشته فیروزرا برده بود بحمام

بچه مناسبت

نمیدانم . برای چه برده بود ؟ چه‌عرض کنم

شما ازاین دو نفر چیزی نشنیدید که کدام مرتکب قتل شده اند ؟

خیر چیزی نشنیده ام

محمد کاظم جهانسوزی

بموجب‌ادعانامه‌دادستان‌دیوان کیفر شما متهمید که درشب ٤ آذر ۱۳۱٦ بمعاونت‌محمودمستوفیان و حبیب‌الله خلج برحسب بعث و تحریك مختار و وقار دخالت در قتل مرحوم مدرس داشته اید و همچنین متهمید که درشب ۲٦ خرداد ۱۳۱۷ در ملایر مباشرت درقتل دیبا بهمدستی فدوی وعسگر فروتن و هادی نظمی و فتح الله چوبین شرکت داشته اید و این اقدام برحسب بعث وتحریك‌مختار رئیس‌کل شهربانی وقت بوده بگناهانی که نسبت داده شده اعتراف دارید .

خیر

شما درشب فوت مرحوم مدرس در کاشمر بودید .

شاید (خنده جمعیت)

کجا بودید کاشمر

برای اینکه ازطرف شهربانی‌مشهد رفته بودم برای تفتیش شهرهای جنوب گناباد طبس خواف کاشمر مامور بودم شاید نظرم نیست دوم سوم در همین‌چندروزبود و آنجاکه رفتم هیچ برای کارهای مدرس و عملیات آن نرفته بودم و برای بازرسی بشهربانیها بود چنانچه یکشب در گناباد و یکشب درکاشمر و هرکدام ازاین شهر ها را چند مرتبه رفتم .

شب واقعه را در کاشمر بودید یانه

نظرم نیست

شما اطلاع پیدا کردید بقتل مدرس

نمیدانم صبح‌شنیدم که مرحوم‌مدرس‌فوت کرده

ازکی ؟

از مردم از همه

مگر مردم میدانستند

آزآنها والله درست یادم نیست ؟

ازکی شنیدید ؟

از یکی‌دونفر آزآنها میگفتند که‌مردم‌اینطور میگویند

شما که بازرس بودید باید خبر فوت را از مردم بشنوید ؟

بنده عرض کردم‌همان ساعت سوار شدم و آمدم و شایدهم خود رئیس شهربانی بمن گفته‌باشد چون چند سالست گذشته و خبر ندارم

شما بچه مناسبت اقتداری‌را حرکت داده‌اید؟

هیچ بنده‌اقتداری‌را حرکت ندادم و چکار داشتم با اقتداری و محمود مستوفیان دوماه الی دوماه ونیم قبل از من رئیس شهربانی آنجا بود

محمود مستوفیان گفته است در موقع فوت مرحوم مدرس جهانسوزی دستور داد پزشك لازم نیست

هیچ همچنین نیست بنده کتبی دستور داده ام باشفاهی بعلاوه وضعیت مدرس طوری نبود که من اطلاع پیداکنم چون متهمین سیاسی را حق نداشتیم به‌مامورین نشان‌دهیم

آیا شما دستور ندادید که مدرس را تعقیب نمایند ؟

خیر ؟

تمام اینها را تکذیب میکنید

بله هیچ دستوری راجع به تعقیب مدرس یا نگهداری او نداده ام

شما ازکسالت مدرس خبری نداشتید ؟

خیرتحت نظر من نبود و بنده مامورش نبودم

شما اظهاراتی در زندان به سرهنك نوائی و وذبیح‌الله‌مهاجرانی کرده‌اید واینك‌عین‌آن‌اظهارات شما در اینجا قرائت میشود (خوانده شد)

شنیدید اظهارات سرهنك نوائی را

بله بله وهمه را تکذیب میکنم زیرا آقای سرهنك نوائی برای استخلاص خود ممکن است این اظهارات را بکند و بعلاوه آقای سلطانزاده با آقای نوائی دسیسه بازی دارد و بنده مریض چطور با این وضعیت میتوانستم بروم پیش نوائی این صحبت ها را بکنم

اظهارات بمهاجرانی راچه میگوئید

اوهم تحریك نوائیست

تمام این اظهارات تماما دروغ است

البته البته زیرا درمجلس هم گفته بودندنوائی جانی است و او برای برائت خودش اینهـا را گفته است

شما حکمی داشتید برای بازرسی

البته‌این‌ها جزواسناد ملکی‌بنده‌است‌وملکی‌هم داشتم که اعلیحضرت همایونی بله کاری ندارم (خنده مردم)

این‌اسناد درتوی‌جعبه شهربانی‌قم بودوبنورائی‌رئیس آگاهی گفتم‌مراقب‌اینهاباش اوفراموش کرده‌بدهد بیاورند وآن‌حکم هم در آنجا بود و از طرفی تلگرافی که سرهنك وقار بطهران کرده است برای خرج سفر معلوم است این تلگراف هم در محاسبات‌و کارگزینی‌است‌حتی‌قبل‌ازرفتن ۷۰ تومان هم خرج سفر گرفتم وچطور ممکن است راپرت کتبی نداده باشم مخصوصاًدودورق دادم

راپورت را بکه داده اید ؟

بشهربانی شرق

آقای وقار گفته چنین راپرتی نداده اید

بنده راپرت را که نزد خودم نگه نمیداشتم

شما حبیب خلج‌رابرای چه‌همراه بردید؟

چون‌سابقه‌دار بود و مدتی بود خدمت‌میکرد بعنوان کمك آن‌راباخودم بردم

چکاری باو رجوع کردید

هیچ فقط کارهای اداری

در اول شب واقعه پیش شما بود ؟

چه عرض کنم بنده رفتم اول شب منزل

شما مطلع شدیدطبیبی برای مدرس بردندیانه

نخیر

ازمرضش هم مطلع شدید ؟

ابداً تماسی نداشتم .

ابراهیم پاسبان میگوید مستوفیان آمد و مرا فرستاد پیش جهانسوزی

ابراهیم دروغ میگوید وبسیار هم‌میخواستید مرا مواجهه بدهید

چه اصراریست که اوچنین دروغی‌بگوید .

چه اشکالیست که بنده صحبت خود را باپاسبان تکذیب کنم

بیانات عیال اقتداری راچه میگوئید

ابدا نمیشناسم و اصلا ندیده ام

حتی خودشرا

خودشرا هم‌ندیده اید

آقای وقار مگر با شما سوابقی دارد ؟

بسیار هم لطف دارد (خنده تماشاچیان) وقار میگویدپاکتی بجهانسوزی‌دادم

اولا فرمایشات آقای وقار را تکذیب می کنم ثانیا اینکه رکن الدین پاکتی بوقار داده ووقارهم بمن ممکن بود بیست بدهند بعلاوه این پاکت‌مهمتر راچرا ازمن رسیدنگرفتند درصورتیکه‌جزئی ترین کاغذرا رسید میگیرند . بعلاوه در ۱۵ آذردستور داده اند بخاری‌بگذارند در صورتیکه گفته ایددر سوم آذر کاغذرا در بخاری گذاشته اید

شما در واقعه فوت دیبا در آنجا بوده اید ؟

بله رئیس شهربانی آنجا بوده ام

بچه مرضی فوت کرده

درد سیاتیك ومرض کلیه رماتیسم و موقعی که رئیس شهربانی شدم بیست الی سی شیشه دوا آنجا بود وامراض او پرونده دارد ووقتی که من اورا تحویل گرفتم مریض بود

چه طبیبی اورا معاینه ومعالجه میکرد .

در موقع بنده دکتر راستان بود

فعلا ازشما چه کسی اورا معاینه کرده ؟

هیچکس

در صورتیکه این‌همه مریض بوده و این قدر شما مرض برای او میشمارید چطور او را طبیب معالجه نکرد ؟

اولا بنده برای او مرض نمیشمارم و دکتر می گفت .

ثانیا خودش میدانست چه موقع فوت کرده ؟

شاید در حدود ساعت ۳ الی چهار از نصف شب گذشته

شما در آنموقع حاضر شدید در محبس ؟

وقتی به بنده خبر دادند آمدم بزندان دیدم افتاده نمیدانم‌فدوی یا فروتن کدام بود یکی بالای سرش ایستاده بود ووقتی که من وارد شدم حالش خوب نبود یعنی بود اغمی بود

بعد از فوتش کسی‌اورا معاینه کرد ؟

خیر .

زیرا دستور نداشتیم زیرا سیاسی بود .

چند روز بود سابقه مرض داشت ؟ مرض او همیشگی بود وگاهی شدت میکرد .

چند روز بود سخت مریض شده بود ؟

یکی دو روز بود وحتی گفتم اگر دکتر می خواهید بیاورم .

ولی الله پاسبان بر خلاف اظهارات شما گفته که اینك برای شما میخوانم (گفته های ولی الله خوانده شد)

اظهارات‌ولی‌الله‌شادمان را شنیدید‌چه‌میگوئید آقای جهانسوزی ؟

بکلی تکذیب میکنم زیرادریکی میگویدنمی دانم پایش روی کرده و دیگری روی سینه اش بود .

چطور بود که هم پایم روی کرده بود وهم روی سینه چطور خوابیده بود .

پس چه مخالفتی داشت باشما ؟

خیلی معذرت‌میخواهم مریض هستم‌زیراتقریباً یکماه بود که سرقت های غیر معمولی در بازار میشد واورا‌ازبازار بزندان‌گذاشتم واو عریضه ها نوشت که اگر مرا ببازار بفرستید خودرا میکشم واینها را روی آن اصل گفته است ؟

پس‌شمایك مامور دزدی را سرکارآورده‌اید؟

خیر کشف نکردم که دزدیش را بنده حدس زدم و اگر کشف میشد که تعقیش میکردم .

پس اظهارات الله مراد را برای شما میخوانند (خوانده شد).

اظهارات‌الله‌مرادرا شنیدید چه میگوئید ؟

اگر از توی اطاق دیده خودش شریك جرم است والا از کجا دیده است .

(ازاو اظهارات الله مراد خوانده شد)

بیانات الله مراد را شنیدید ؟

بله واقعاً جای تعجب است

چه مناسبت بدی داشت باشما ؟

من میخواستم اورا تبعید کنم او درس‌درویشی میخواند ودیوانه است ودر ملایر هم معروف‌است بدیوانگی‌و‌گفته‌های‌آن هم تحریك آقای ملایری و دسیسه بعضیهاست .

بیانات نظمی را برای شما میخوانند (خوانده شد) .

شنیدید بیانات نظمی را چه میگوئید ؟

بکلی تکذیب میکنم اظهارات‌هم شد حرف؛ چه دشمنی باشما داشته اند ؛

بنده ده مرتبه همین هادی نظمی را مجازات کرده ام مامورین زیر دست همه اخلاقشان‌معلوم است .

بیانات شایگان را میخوانند برای شما

به من نمیدانم ملایری اینها را از کجا پیـدا کرده است .

خوانده شد .

شنیدم وبکلی تکذیب‌میکنم . اینکه میگویند جهانسوزی لب حوض ایستاده بود خوبست آقای سلطانزاده بروند ببینند کسی را که میخواهند خفه کنند صدایش تالب حوض‌که نمیرسدهمه راتکذیب میکنم .

یکربع بظهر دادگاه ختم شد وتا ساعت پنج بعد از ظهر تنفس داده شد .

گزارش جهان

خبرگزاری پارس

مسکو — اداره اطلاعـات دولت شوروی اعلامیه‌ئی بشرح زیر انتشار داد :

شب بیست و هشتم ژوئیه نیروی ما در منطقه های وروژ و (تیشملیانسکایا) با دشمن‌جنگیدند و در دیگر مناطق جبهه تغییری رخ نداد .

درمنطقه وروژ رزم همچنان‌ادامه داردنیروی ما در این منطقه نیروی‌آلمان فاشیست را شکست دادند و مواضع خویش را تا اندازه ئی مستحکم نمودند واحدهای نیروی ما که از رود دن گذشته در کرانه باختری این رود با شدتی هر چه تمامتر با دشمن جنگیدند .

هیتلریها در منطقه دیگر بریك نقطه مسکون که روز پیش بتصرف نیروی ما در آمده بودحمله بردند و در نزدیکی قصبه ئی صد ها افسر و سرباز تلفات دادند وسه تانك نیز از دست دادند وناگزیر بعقب نشینی شدند .

تیر اندازان شوروی همواره با احرازموفقیت کامل نیروی دشمن را نابود میسازند .

یك گردان توپخانه ما در عرض بیست‌وچهار ساعت چهار تانك سنگین دشمن را نابود کردند و سه‌آتشبار و دوخمپاره انداز را نیز از کارانداختند و ضمنا یك انبار مهمات را ویران نمودند .

در پیچ و خم رود دن نیروی ما چندین بار حملات تانکها و پیاده تندرو دشمن را عقیم گذاشتند و در عرض یك روز یکی از واحدهای نیروی ما بیست و پنج تانك آلمانی را نابود کرد و نزدیك بهفتصد تن افسر و سرباز دشمن را کشت .

هواپیماهای شوروی‌پیاپی‌هیتلریها را درمیدان جنك مورد حمله قرار میدهند در نتیجه این حملات بیست وهفت تانك وهفتاد وهفت کامیون براز‌سرباز وآلات جنگی وبیش ازیکصدگاری وچندین توپ صحرائی و توپ صحرائی و توپ ضد هوائی‌دشمن نابود گشته و یا آسیب دیده اند .

نزدیك بدو گروهان‌پیاده‌ویك اسواران‌دشمن منهزم گشتند و عده‌ئی از آنها نابود شدند .

بمب افکنهای ما برفرود گاههای دشمن حمله بردند و بیست و دو هواپیمای آلمانی را که روی زمین قرار داشتند نابود کردند وپانزده هواپیمای دیگر دشمن را آسیب رسانیدند .

طی رزم هوائی‌هم‌هواپیماهای شکاری شوروی سه هواپیمای آلمانی از نوع مسراشمیت ۱۰۰ را سرنگون کردند .

در جبهه کالینین زدو خورد هائی درگرفت که جنبه محلی داشت

دشمن در یکی از مناطق این جبهه در صدد برآمد بخطوط دفاعی ما حمله برد و برای اجرای این منظور نزدیك بدو هنك پیاده و چهل تانك به میدان جنك فرستاد .

درابتدا آلمانها موفق‌بعقب نشاندن‌جلوداران ماشدند و درخطوط مقدم ماراه یافتند ولی‌توپخانه بر آنها شلیك کرد و عدهٔ زیادی از هیلتریها را تلف نمود و آنها را متوقف ساخت .

در این ضمن نیروی ما بحمله متقابل پرداخت و دشمن را شکست داد و سربازان آلمانی را تا مواضع اولیه شان عقب راند .

یکدسته از جنگجویان غیر نظامی بفرماندهی (۱) در عرض سه هفته طی عملیات در ناحیه اول بیش از یکصد تن از مهاجمین را کشتند و دو اتومبیل زره پوش وپنج کامیون ویك اتومبیل‌ستاد نیروی آلمان را نابود کردند و دوهواپیمای‌آلمانی را سرنگون ساختند وچهار قطار راه آهن دشمن را از خط بدر آوردند .

لندن — اعلامیه وزارت هوایمائی انگلیس حاکیست که دیشب چند هواپیمای شکاری‌انگلیس آمدوشدقطارآهن را درفرانسه‌اشغال‌شده وحرکت وسائل نقلیه حامل آلات و ادوات جنگی را که بسوی‌آلمان میرفت مختل ساختند ونیز بطوررسمی اشمار شده که هواپیماهای انگلیس بر تمام‌لکمتیو های‌قطار حامل کالا که درپیرامون پاریس‌حرکت می کردند و همچنین بر ناحیه مهم صنعتی لیل حمله بردند وعده زیادی ازلکمتیوها را از کارانداختند و مقدار بیشماری از واگن‌ها روی خطوط آهن سرگردان‌ماندند بطوریکه آمدوشد راه‌آهن‌تاچند موقوف گردید .

لندن — خبرنگارمسائل هواپیمائی خبرگزار انگلیس مینگارد مردم لندن از وضع دفاع ضـد هوائی پایتخت رضایت دارند وسائل دفاعی پایتخت بی اندازه روبهبودی‌رفته است .

قاهره - (رلند) نماینده ویژه‌خبرگزاری انگلیس مقیم‌قاهره گزارش داده هرچند مدتی‌است که‌درجبهه مصر عملیاتی نشده ولی وقفه عملیات از سه روزپیش بابنطرف پایان یافته و رزم درمنطقه شمالی از سر گرفته شده است .

بااین حال‌عملیات جنگی در جبهه محدوداست و جنبه محلی دارد و بهیچ رو معلوم نیست آتش جنك در تمام نقاط جبهه شعله ورگردد ازوضع‌رزم هائی که در نقاط بیشرفتگی شمال در گرفته احتمال قوی میرود خاکی را که دیروز نیروی مابتصرف در آورده در برابر عملیات سخت و دفاعی دشمن وتیر اندازان توپخانه وی از دست رفته باشدچیزی کهمایه دلگرمی میباشد آنست کهژنرال اوکین‌لك در عرض یکهفته دوبار بحمله پرداخته وخود این عمل میرساند که ابتکار در عملیات در دست ارتش هشتم است .

قاهره - روز سه شنبه ستاد ارتش انگلیس اعلامیه‌ئی‌بشرح‌زیر در قاهره انتشارداده شب بیست وپنجم‌ژوئیه‌نیروی ما برمواضع دشمن واقع‌درمنطقه شمال حمله برده در تعقیب آن رزمهای خونین درگرفت که دیروز نیز ادامه داشت .

توپخانه طرفین نیز بنبرد مهمی پرداختند .بمب افکنهای سبك و هواپیما های شکاری بمب افکن ما بپشتیبانی از نیروی زمینی پرداختند در منطقه شمال بر نیروی دشمن حمله بردند .

هواپیماهای شکاری ما بر یك دسته‌ازهواپیما های دشمن که بهمراهی هواپیماهای اشتوکاحرکت میکردند حمله بردند وهنگام روز سه تا از آنهارا بزیر افکندند .

دیشب بمب افکنهای متوسط ما بر هدفهای طبرق وفرودگاههای دشمن در الدبه حمله بردنـد واحراز موفقیت کردند . هواپیماهای شکاری شبگرد ما دو هواپیمای آلمان از نوع هاینکل ۱۱۱ را که قصد پرواز بناحیه ترعه سوئز داشتند سرنگون کردند وهواپیماهای دشمن بر فراز مالت بر شدت عملیات خویش افزودند و دوازده هواپیمای محور را سرنگون وعده‌ئی را نیز طی رزمهای هوائـی پیش‌از آنکه آنهابتوانند بمب های خود رابیفکنند آسیب رسانیدند .

ستاد ارتش متفقین (استرالیا) بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس ستاد ارتش متفقین در جنوب باختری‌اقیانوس ساکن که روزسه‌شنبه‌انتشار یافته چنین اشعار میدارد .

قسمت شمال باختر — در تیمور و کوپانك واحد های متفقین شب هنگام بر کوپانك دو حمله شدید کردند و بر فرودگاه و سربازخانه هـا و پناهگاه های پیرامون آن ضربات مستقیم وارد ساختند وحریقهائی بر پا نمودند .

در تونویل — یك کشتی هوائی دشمن شب هنگام بر فراز شهر پرواز کرد لکن یـلا فاصله بوسیله نور افکنها کشف وبا آتشبارهای‌ضدهوائی متفقین دفع گردید هواپیمای دشمن بمبهای خود را فرو ریخت ولی هیچگونه آسیب وارد نیامد .

پرت داروین — یکدسته هواپیمای دشمن که از سه تا پنج هواپیما تشکیل شده بود از تاریکی شب‌استفاده نموده دوباربر پرت داروین حمله بردند لکن‌هیچگونه خسارت مالی‌وجانی‌وارد نیامده‌است .

گینه جدید — شکاریها و بمب افکنهای متفقین حملات خود را بر علیه مواضع و تاسیسات دشمن همچنان ادامه دادند و بمب افکنهای عمود رو متفقین یك مخزن مهمات دشمن را منهدم نمودند کشتیهای متفقین در نزدیکی (اوادی) در خاور کوکودا با دشمن‌تماس‌حاصل کردند .

اتاوا — خبرگزاری انگلیس خبر میدهد (رالستن) وزیردفاع ملی کانادا درمجلس‌نمایندگان اظهار داشته که در آینده نزدیکی دوره آموزش چتر بازان کانادائی شروع خواهد شد .

لندن — خبر گزاری انگلیس خبر میدهد حکم مبنی بر گماشته شدن (اوان نیرینگك) به فرمانداری (رود زی جنوبی) بصحه پـادشاه انگلستان رسید .

پادشاه بوی نشان (سن‌میشل) و (سن‌جرج) اعطا کرده است .

لندن- طبق‌اطلاع‌خبرگزاری‌انگلیس‌امروز خبرگزاری ایتالیا خبر داده که بقرار خبری کـه از خاورمیانه رسیده درهفته گذشته انگلیسها نیروی ذخیره بمیدان جنك مصر فرستاده اند .

مقدار زیادی ازآلات و ادوات جنگی‌امریکا نیز وارد مصر شده است .

داوری توده —۱۵—

آقای کسروی یکی از دوستان من که باشما نیز دوستی دیرینه دارد اخیرا از تبریز پاسخی به نامه من نوشته و بمناسبتی از حافظ و سعدی یاد کرده وچنین اظهار داشته است

« در خاتمه امید است این افکار بلند پایگاه جنابعالی و حضرت آقای کسروی مدار ارشادسایر ملل مترقی عالم شده و آنها هم از نوشتن اشعار و بردن‌اسم‌ادبای خود باحضرت عالی‌هم آواز باشند. دیگر بعد از این از آوردن اسم پوشکین شاعر معروف روسی و مروج افکار آزادی و ویکتور هوگو شاعر نامی فرانسه که در بیدار کردن فکر جامعه و توجه توانگران بحال بیچارگان خدمات گرانبهائی نموده‌اند خودداری نمایند!»

چنانکه‌می‌بینید این‌هم مسلك قدیمی‌مارا ریشخند کرده وهم از فرو بردن نیش سرزنش خود داری نتوانسته است. به‌ناچار پاسخی بنامه این رفیق دادم که میخواهم خلاصه آنرا بوسیله گرامی نامه پرچم محض داوری توده بگفت‌وگو گزارم اینك بخشی از پاسخ من:

برادرارجمند: چنانکه بارها درنوشته‌های آقای کسروی ملاحظه کرده‌اید عقیده ایشان درباره‌شعر در این جمله خلاصه میشود:

« شعر جز سخن موزون چیز دیگری نیست و سخن را نیز جز در موقع نیاز نباید گفت »

شما که ازسالهاپیش‌بانوشته های آقای کسروی مربوط هستید و از نزدیك این مرد را می شناسید چطور بگفتن چنین تهمتی در باره ایشان راضی میشوید؟

آقای کسروی کی ، ودر کجا ، سخن موزون را مطلقاً بد دانسته و شعر سرودن را نهی کرده است؟! بهترین‌مثالی که چندی پیش آقای کسروی در باره شعر یاد کرده ودر پرچم نیز بچاپ رسیده همانا تشبیه شعر بکره قالبی و تشبیه نثر بکره معمولی بود. کسی که احتیاج به کره دارد البته کره قالبی را بکره معمولی ترجیح میدهد ولی بصرف اینکه کره را قالبی کرده و ظاهر خوش آیندی بآن داده اند آیا میتوان شب وروز عوض هرچیز خوراکی بخوردن کره مداومت داد؟

هرگاه آقای کسروی بطور کلی از شعر و شاعری منزجربوداپس اینهمه‌قدردانی وارج‌شناسی ازشادروان صابر طاهر زاده (مؤلف هوپ هوپ نامه) شاعر ملی‌آذربایجان برای چیست؟ وهمچنین درج یکقسمت از شاهنامه فردوسی در مهنامه پیمان روی چه اصلی بوده؟!

ازپوشکین روسها وازویکتورهوگوی‌فرانسه نام برده وآرزو دارید حافظ و سعدی راپوشکین و ویکتور هوگوی ایران دانسته واز مفاخر خود بشماریم! گیرم که بچنین کاری اقدام و این دو شاعر خراباتی و ستایشگررا از مفاخر خود اعلان نمودیم. آیا با این کار ما حقایق دیگرگون‌شده وتاریخ نوشته های‌خود را عوض مینماید؟! تاریخ درباره ویکتور هوگو چنین نوشته:

این‌مردآزاده دربرابرحکمرانی مطلق‌ناپلئون سوم‌قدعلم کرده‌وبرای اینکه گردن بیوغ‌یك‌پادشاه مستبد ننهد ۱۸ سال تمام ازخانه ولانه خود دست کشیده وبهترین‌ایام عمرخود را در گوشه جزیره‌ای با تنهائی وغربت بسرداد!

همان تاریخ در صفحه دیگر خود چنین ثبت نموده:

سعدی برای اینکه چند صباح از زندگانی‌او رنگین شوددرمدح آباقاخان‌مغول که‌پدرش‌خاك‌میهن سعدی را با خون جوانان ایران آغشته بود قصیده گفته وبرای حکمران خون خوارمغول هزارسال عمر ازخداوند خواسته است.

ویکتورهوگو در تمام زندگانی هشتاد ساله‌جز آزادی و سرفرازی ملت خود معشوقه ای نداشت وبرای نشان‌دادن عظمت‌آزادی و بی‌آبروساختن استبداد در نظر ملت فرانسه کتاب « ناپلئون کوچلو» را برشته تحریر آورده و تا آخرین‌نفس در عقیده و ایمان‌خود ثابت قدم ماند ولی سعدی‌از یکسو برای مستعصم خلیفه بغداد مرثیه خوانده‌واز سوی دیگر بحکمران مغول (پسر قاتل خلیفه) مدیحه‌گفته و بقای‌آنرا تاهزارسال‌آرزو کرده‌است

هرگاه پوشکین نیز مانند حافظ ملت روس‌را بمی‌خواری و تنبلی و جبری گری تشویق میکرد یا ویکتورهوگو مانند باب پنجم گلستان یادگاری از خود میگذاشت و ملت فرانسه را به ... بازی و کشتن روح مردی و مردانگی دعوت مینمود یقین بدان که ملت روس و فرانسه نه اینکه آنها را از مفاخر خود حساب نمیکردند بلکه استخوان های این اشخاص را از خاك درآورده و آتش میزدند.

برادرجان! ارزش وسودمندی هردرختی از میوه آن شناخته میشود در ظرف این سی و چند سال گذشته که نام حافظ و سعدی و امثال آنها بنا باراده دیگران در میان ما ایرانیان بلند آوازه گردیده آیا از این کار چه سودی نصیب ما شده است؟ جز پرورانیدن یك مشت کسان بی درد، لاابالی، خراباتی نتیجه دیگری داشته است؟

از شخص شما که مرد منصفی هستید سؤال میکنم: کسیکه اشعار خراباتی وجبری گری‌حافظ و حکایات زشت باب پنجم گلستان را حفظ کرده وبراهی که آنهاشان میدهند مسلك بشود آیاچنین کسی یك فرمانده دلاور و از جان گذشته یا یك مخترع مشهورمیتواند بشود؟ آیا فلسفه‌جبری گری در روحیات چنین شخصی بی تاثیر مانده و روح مردانگی و شهامت را در او نخواهد کشت؟ آیا کسیکه شب و روز مانند:

حاصل کارگه کون و مکان اینهمه نیست
باده پیش‌آر که اسباب جهان اینهمه نیست

را ورد زبان بکند دیگرمیتواند خود رابرای انجام کارهای بزرك و پرخطر آماده نموده و در راه ملت وکشور خود از جان بگذرد؟!

در اینجانامه رفیق خود راپایان داده وخطاباً بشخص آقای کسروی میگویم: مردان نیك‌سرشت و آنهائیکه هنوز راستی پرستی در نهاد شان باقی بوده و در جستجوی علاج درد ملت ایران هستند گفته‌های شما راپذیرفته و دردنبال‌شما خواهند آمد گفتنی‌ها را بگوئید و از این هیاهوهانترسید که خدا با ما است!

سلطانزاده تبریزی

مسابقه وزارت دارائی

چندی پیش ضمن مطالعه یکی از شماره های مهر ایران‌دیده شدآقای وزیر دارائی‌نظراشخاص را نسبت بطریق جمع آوری جو و گندم از راه توزیع اجناس انحصاری خواسته اند.

البته این پیشنهاد یکی از روش های نیك و پسندیده ایست که میرساندپیشنهادکننده جز اجرای منظور وموفقیت در کار نظری نداشته، وبرخلاف بعضی اشخاص از حس خود خواهی و خویشتن پرستی مبری است؛ ولی نکته قابل توجه اینست که اظهار نظر در موضوعی مستلزم آنست که نظر دهنده نسبت باصل موضوع و حدود میدان عمل اطلاع کامل داشته و بداند تاچه درجه از این راه پیشرفت وموفقیت میخواهند؛ و وسائلی که برای انجام این کار تهیه شده است تا چه اندازه میباشد مثلا در همین مورد باید معلوم شده باشد که اگر شخصی‌خواسته‌باشددرمقابل گرفتن اجناس‌انحصاری جو و گندم تحویل دهد، تاچه میزان کالای انحصاری بوی داده میشود.

آیا از این لحاظ نسبت به تحویل اجناس انحصاری محدودیتی در کار نیست؟ و بهر اندازه که‌خواسته باشد باوداده میشود یا نه؟ واگرمحدود است تا چه درجه محدود میباشد؟

آیا کالای‌انحصاری بهمان اندازه که درمقابل پول داده میشود در مقابل گندم و جو داده میشود یا بیشتر؟.

بهرحال اینها مطالبی است که نظر دهنده باید بداند؛ ولی معهذا ما بطور اجمال عقیده خود را در اینجا مینویسیم و مقدم بر بیان مطلب هم این نکته‌رامتذکرمیشویم:

۱ — اگربنا باشد درمقابل تحویل جوو گندم کالای انحصاری بهمان اندازه که در مقابل پول داده میشود تحویل‌گردد، ازاین راه چندان نتیجه ای برای جمع‌آوری جو و گندم بدست نمی‌آید، و بعقیده اینجانب بایستی از لحاظ تحویل کالای انحصاری وسعتی بکار داده شود.

۲ — آقای وزیر دارائی ضمن بیان منظور خود فرموده اند « رعایا خواهند توانست مازاد گندم وجوخود را به بهائیکه میل دارند بفروشند» که این موضوع هم بعقیده من عملی نیست! زیرا وقتی خرید کالا منحصر به یکنفر یا یك مرکز بود باید بهای کالا اقلا در هر محل بطور قطع معین باشد که عموم فروشندگان به یك میزان استفاده نمایند، نه اینکه یکنفر بگوید من گندم خود را بقرار خرواری‌چهارصدریال‌میفروشم ودیگری‌بگوید پانصد ریال و خریدار هم مجبور باشد گندم هردو را بقیمتی که میگویند خریداری نماید (اینکه‌گفتم مجبورباشد ازنظر اینست که دولت خود راموظف نموده است که این کالا را بهرطریقی که باشد خریداری نماید).

بدیهی است آزادی بها موقعی مورد دارد که الزامی برای خریدار نسبت بخرید نباشد، و بین فروشندگان رقابت ایجاد شود، و الا اگر خریدار ملزم بخرید جنس باشد، و تعیین بها هم بعهده فروشنده برگذار گردد، قطعی‌است بهائیکه از طرف فروشنده معین میشود از حدود تعادل خارج بوده، وجززیان نتیجه‌ای را نخواهد داشت و علاوه با تفصیلی که قبلا ذکر شد قطع نظر از اینکه موجب سوء استفاده مامورین خرید واقع میشود، کنترل آنهم مشکل خواهد بود.

بنابر این بعقیده من بایستی قیمت جو و گندم معین ومعلوم‌باشد، منتها برای اینکه فروشندگان تشویق بفروش شوند، اولا باید نرخ متناسبی معین شود، و در ثانی از هر پانزده روز یا بیشتر بهای آن با سیر نزولی تغییر داده شود؛ یعنی مثلا اگر پانزده روز اول بهای گندم خرواری پانصد ریال تعیین گردید، پانزده روز دوم ۴۷۰ ریال معین شود.

این عمل قطع نظر از اینکه فروشندگان را تشویق به تسریع در فروش‌مینماید سبب سرعت کار مامورین خرید هم خواهد شد.

البته این‌نکته‌رانیز باید متذکر شوم که چون با اجرای‌این شرط‌قطعی است که هر فروشنده‌ای اصرار خواهد داشت محصول خود را در همان پانزده روزاول مصرف کند که بیشتر استفاده نماید و انجام این عمل هم غیر ممکن است، عقیده مندم ملاك خرید در این‌مورد همان سپردن تعهد‌اشخاص باشد؛ یعنی اگر کسی در پانزده روز اول تعهد تحویل ده خروار گندم را سپرد بر فرض اینکه دو ماه بعد هم تحویل دهد مطابق همان نرخ پانزده روز اول با اوحساب شود.

بهرحال اینك می‌پردازیم ببیان راه عمل جمع آوری جوو گندم ازطریق‌توزیع اجناس انحصاری و رسانیدن کالای انحصاری به بهای واقعی به کشاورزان.

۱ـ بایستی بکلیه شهرستانها یا بعضی از شهرستان های مرکز محصول و بالاخره شهرستانهای مورد نظر فوری ابلاغ شود از تحویل کالای مربوطه بکوپن سه ماهه دوم سال خودداری نموده و کوپن های مربوطه را کان لم یکن فرض نمایند.

۲ـ فوری دوانوع کوپن دیگر مخصوص محل های‌نام برده تهیه شود که یکی از آنها برای‌تحویل جنس ودیگری مخصوص نقد باشد یعنی دارندگان کوپن‌جنس‌درمقابل گرفتن کالای انحصاری‌موظف بتحویل جو یا گندم باشند ونقدی پول.

۳ـ برای‌اینکه‌کسی که از کوپن جنس‌استفاده نموده از کوپن نقدی استفاده ننماید باید دوانوع مهر تهیه شود؛ که یکی توزیع کوپن جنس و دیگری نقدی را نمایش دهد؛ و در موقع توزیع کوپن‌آن مهر روی شناس نامه گیرنده‌زده شود.

۴ـ بایستی‌مقرر شود که دارندگان کوپن‌نقدی موقعی می‌توانند از کوپن جنس استفاده نمایند که کوپن نقدی خودرا مسترد دارند؛ البته اینموضوع هم بایستی درشناسنامه نمایش داده شود.

۵ـ تبدیل کوپن جنس نقدی بکلی منع گردد.

۶ـ کوپن جنس برخلاف نقدی بطوریکه گفته شد ازلحاظ کمیت تا درجهٔ آزاد باشد، یعنی‌طالبین آن بتوانند بیشتر از میزان محدودیکه صاحبان کوپن نقدی از کالای انحصاری استفاده میکنند استفاده نمایند که هم‌دولت بتواند از این راه‌مقدار قابل‌توجهی گندم وجو بدست‌آورد وهم از صاحبان تشویقی شده باشد.

۷ـ اجناس انحصاری بدارندگان کوپن‌جنس ارزان تر داده شود.

۸ـ بهای اجناس انحصاری ومقداریکه گرفته شده روی هریك از کوپن‌های جنسی ونقدی برای جلوگیری ازسوء استفاده نوشته شود.

۹ـ مقرر شود چنانچه‌کسی بیش از مقداریکه درمقابل کالای انحصاری تحویل میدهد جوو گندم داشته‌باشد درصورتیکه درموقع گرفتن کوپن‌مراتب را اظهار وتعهد تسلیم سپارد؛ کالای انحصاری بمبلغی کمتر ازآنچه درقسمت ۷ هم بآن اشاره‌شده است بوی داده می‌شود.

اینموضوع هم بایستی پشت‌کوپن های جنس قید شود.

البته مقدار مازادی‌را هم که ذیحق بگرفتن تخفیف بها میشوند باید معلوم باشد؛ و بعقیده من بهتر اینست که در همین مورد هم با ترقی مقدار مازاد بر تنزل بهای کالای انحصاری افزوده شود یعنی اگرکسی دوخروار مازاد داشته باشد مثلاصد پنج واگرسه خرواداشته باشد صدی هفت‌تخفیف داده شود.

بیان مطالب بالا متناسب با محدودیت‌اطلاعی است‌که نسبت به نظر وزارت دارائی دارم؛ و با تحصیل اطلاعات بیشتری موضوع را قابل تجدید نظر می‌دانم.

☆☆☆

اصولا‌من‌نسبت‌بجمع آوری گندم وجومخصوصا در امسال و یکی دوسال دیگر نظر خاصی دارم: وآن‌اینست که‌چون بلحاظ وجهات‌متعددی‌اغلب‌از کشاورزان نسبت بمعامله با دولت انزجار پیدا کرده‌اند عقیده‌مندم:

۱ـ فعلاعمل خرید محصول جو و گندم بادادن حق العمل بوسیله تجار یا دلالان محلی انجام شود ومأمورین وزارت دارائی فقط کار آنها رانظارت وکنترل نمایند.

البته میزان حق‌العمل هم بایستی بنسبت مقدار اجناس‌خریداری‌شده تعیین شود که فعالیت‌بازرگانان یا دلالان زیادتر گردد.

گمان میکنم با اطلاعاتیکه این دسته نسبت بوضع خرید و فروش کالای محلی خود دارند برگذاری اجرای این کار بعهده آنها ازقاچاق تا درجهٔ جلوگیری نماید.

۲ـ چون امروز بیشتر ازمردم نسبت بمحفوظ ماندن آذوقه عمومی تا آخر سال نگرانی دارند، و روی‌همین اصل هم تبلیغاتی مخالف بانظردولت نسبت بجمع‌آوری محصول میشود، عقیده‌مندم‌مقرر شود درشهرها که نان دربازار تهیه میشود آذوقه ۶ ماه و در قصبات و ده ها که خود اهالی تهیه میکنند آذوقه تمام‌سال بوسیله توزیع کوپن باهمان قیمتی که برای خود دولت تهیه شده است داده‌شود و ازاین عمل هم دولت انتظار نداشته باشد که ساکنین‌شهرها فوری از گندم ۶ ماهه خود مصرف کنند، بلکه باید دولت از بقیه موجودی خود تا زمانی که دارد که‌اقلابایداز ششماه کمتر باشدوسیله تهیه نان شهریها را دربازار فراهم نماید وبعداگر موجودی دولت تمام‌گردید دستور داده شود مردم از گندم دریافتی خود استفاده نمایند و اگر دولت با این‌جریان برای تامین وفراهم نمودن نان‌سالیانه مردم‌برخورد باشکال ننموده اقدام چندین ماهه‌اول سال خودرا ادامه دهد وبداند که بدون تردید از بیم خرابی هم که باشد مردم گندم دریافتی خود را مجدد تحویل ویا مصرف مینمایند وبالاخره منظور اولیه دولت تامین میشود.

باید گفت این عمل نه تنها موجبات تسهیل‌جمع آوری‌جوو گندمرا فراهم مینمایدبلکه مردم‌رابدولت کاملا خوش بین میکند.

این کلیاتی بود ازعقیده خود که چنانچه مورد قبول واقع گردد باید جهات فرعی‌آن‌رانیز توجیا نمایم. مسیح - آزاد

بخامه سیروس
اسرار استنطاق داد گاه

(۷۶)

میگویند: سرپاس مختار از پادشاه سابق پرسیده بود: که این جمعیت را بچه جرمی محکوم کنیم:

شاه گفته بود: مگر اینها نگفته اند که املاك شاه زیاد است؛

سرپاس درجواب گفته بود: چرا چنین‌جسارتی کرده اند، شاه گفته بود پس چرا ازمن میپرسی مگر این عقیده بلشویکها نیست؟ سرپاس قبول کرده و دستور داده بود که مارا بجرم اشتراکی محکوم کنند ولی درجریان‌محکمه متوجه این‌مطلب شدند که با دردست داشتن جرمی مانند (آن اجتماع شبانه ما وسوگند یاد نمودن بقرآن مجید) نمی توانند این تهمت را برما نسبت بدهند.

تاخیری که در جلسه دادگاه دوم توجه ما را جلب کرد غیبت جهانسوز بود، آری جهانسوز در دادگاه دوم حضور نداشت وما نمیدانستیم چه بلائی بسر او آورده اند ولی‌وقتیکه دوباره بزندان آمدیم دیدیم که جهانسوز در اطاق خود نشسته و زمزمه میکند وگاهگاهی بدون پروا وواهمه از مامورین زندان باحالات‌آشفته ومهیجی‌سرود (از خون‌جوانان وطن لاله دمیده است) را میخواند.

این جوان قرار است فردا تیر باران شود. برای چه؟! برای‌اینکه‌بوطنش‌مهرورزیده وخواسته است وظیفه وطنداری و کشوردوستی خود راانجام دهد خدایاآن شب هم‌شبی بود شب بس‌وحشتناکی. بود هرگز فراموشم‌نمیشود. سکوت مرك، تاریکی شب، زمزمه های دلخراش جهانسوز قرار و انتظام حیاتم را بر هم زده بود. هیچ ندانستم شب چگونه سپری شد وچگونه روز و روشنائی سر بر آورد. مامورین‌سنگدل وقسی‌القلب زندان هم بحال‌مارقت میکردند و این مشتی محکومین بمرك ومذلت را بحال‌خود گذاشته وخود درگوشه نشسته بودند گوئی که دل سنگین آنها هم از دیدن این ماتمکده غم انگیز متاثر وبیتاب است.

مرحوم خان بابای اسعد بختیاری که هر روز باسخنان‌وبیانات مخصوص‌اوقات مارامشغول‌میداشت و خاطر ما را تسلی میداد امروز دیگر ساکت‌بود وهیچ‌سخنی برزبان نمیراند زیرا دیگر هیچ وسیله و بهانه نداشت که بدان وسیله این ارواح آشفته واحساسات متغیر وخروشان را تسلی دهد و آرام نماید مگر هنگام بامداد بود که بار دیگر این‌سخن تاریخی پر مغز را بر زبان آورد:

تخم‌آزادی‌درزمینی‌نشو ونما میکند که بیخش داش شیار خورده بخون جوانان آبیاری شده، باشك چشم مادران داغداری شبنم گرفته باشد.

آگهی

طبق تصویب مجمع عمومی منعقده در تاریخ ۱۰ر۴ر۲۰ با حضور و رأی کلیه دارندگان سهام‌شرکت سهامی‌خشکبار فیروز در همان تاریخ شرکت نامبرده‌منحل ومراتب باداره ثبت‌کل‌گزارش- اداره مزبور بواسطه عدم انتشار آگهی دعوت مجمع عمومی در روزنامه) که بموجب دعوت نامه‌خصوصی بعمل آمده بود) از انتشار آگهی انحلال خود داری نموده و از طرفی نیز یکی از عضوین هیئت تصفیه استعفا نموده است.

لذا بدین وسیله از شرکاء شرکت یاوکلایشان دعوت میشود در ساعت چهار بعداز ظهرروز شنبه ۲۴ر۵ر۲۱ در تجارتخانه شالچیلر واقع در سه دالانملك (تهران) حضور بهمرسانده ضمن تنفیذ انحلال شرکت جانشین عضو مستعفی رانیز انتخاب نمایند.

ش — ۸۵۸ — از طرف هیئت تصفیه شرکت سهامی خشکبار فیروز ـ محسن شالچیلر

رونوشت شماره ۱۶۹ — ۶ر۳ر۱۳۲۱

آگهی

بتاریخ ۵ر۲ر۱۳۲۱ آقای مهدی نخعی دارنده شناسنامه شماره ۲۷۶۳۶ صادره از حوزه شماره ۹ دفتر آمار و ثبت احوال طهران بمستند رونوشت‌گواهی یافته شناسنامه متوفی و یکبرك‌گواهی خواهی شرح درخواست شماره ۲۱ر۳۱۵ از شعبه سوم دادگاه بخش طهران خواستار گواهی نامه حصر وراثت شده بدین توضیح حاج شیخ حسن نخعی فرزند مرحوم علی اکبر صاحب شناسنامه شماره ۲۷۸۰ صادره از حوزهٔ شماره ۹ آمار و ثبت احوال طهران در تاریخ شانزده آبان ۱۳۱۸ درطهران جایگاه همیشگی خود فوت نموده ووراث منحصر بآن مرحوم عبارت از یکنفر زوجه دائمی موسومه به بانو نفیسه ابن عباس و سه نفر پسر بنام آقایان مهدی نخعی وحسین قدس نخعی و دکتر محمد نخعی و دودختر مسماة بیانوان عارفه نخعی شهیره بخانم‌گلین و رقیه مشهوره بجلیله خانم میباشند پس از شنیدن‌گواهی گواهان مراتب را در سه نوبت پی در پی ماهی یکبار بوسیله مجله رسمی و یکی از جراید مرکزی باطلاع‌عموم میرساند که هرگاه کسی واخواهی دارد پس از نشر نخستین‌آگهی ظرف سه ماه موعد قانونی کتباً اظهار نماید و نیز چنانچه وصیت نامه از متوفی نزدکسی است و تاکنون رسما ابراز و افتتاح نشده است‌درهمان مدت باین دادگاه بفرستد و الا هر وصیت نامه جز رسمی وسری بعداً ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود:

نوبت دوم ۷ر۵ر۲۱ — دادرس شعبه سوم دادگاه بخش تهران ـ اسدالله مصباح

شماره ـ ۵۵۱

آگهی ۳-۲۱-۱۶۶

بانو مرضیه عابدین پوروبوءچی در تاریخ ۲۳ر۳ر۲۱ دادخواستی بخواسته طلاق بطرفیت رضا عابدین پور بدادگاه شهرستان تهران تقدیم و اظهار داشته مدت ۸ سال است خوانده که زوج این جانبه است غایب و مفقودالاثر است و با دو بچه او سرگردان و بی تکلیف مانده‌ام تقاضای رسیدگی و صدور حکم طلاق را نموده و سه نفرهم گواهی داده اند که شوهر خواهان ۸ سال است مفقود است مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در مجله رسمی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه های کثیر ـ الانتشار مرکز آگهی میشود تا هرکسی از حیات غایب خبری دارد این دادگاه را کتبا مطلع نماید در صورتیکه تا یکسال ازتاریخ نشرآخرین آگهی خبری از حیات غایب (خوانده) بدادگاه نرسد حکم‌موت فرضی خوانده خواهد شد

ش ـ ۸۶۱

دادرس شعبه سوم دادگاه شهرستان تهران

آگهی مزایده

ششدانك دوقطعه باغ مشجر منشعب بلاك ۱۰۷ ـ ۳۶ و۱۰۷ـ ۱۶ واقعه‌در آب قنات‌بزرك منجیل آباد شهریارملکی سکینه خانم دخترنورالله که به ثبت رسیده و دراجاره هم نمیباشدطبق مقررات در روز ۱۵ مرداد ماه۱۳۲۱ دوساعت‌قبل از ظهردر شعبه ثبت‌کرج بطور مزایده بفروش‌میرسد طالبین می توانند در روز مزبور در خرید شرکت نمایند وحراج از مبلغ ۱۰ر۲۹۹۰ ریال شروع میشود.

و مالیات حراج نسبت بمازادطلب بستانکار تعلق گرفته و بعهده خریدار است.

تاریخ انتشار نوبت دوم ٤ شنبه ۷ مرداد ماه ۱۳۲۱ — ش ۸۱۳

رئیس ثبت کرج ـ شیخ الاسلامی

آگهی مزایده

دودانك‌ونیم‌مشاع از ششدانك یکقطعه باغ‌بلاك شماره۳۴۲ـ۵۶ در قریه علاقه بندساوجبلاغ ملکی آقای سیدمحمد میرخانی که درجریان ثبت است و در اجاره هم نمی‌باشد در روز ۲۶ر۵ر۲۱ دو ساعت قبل از ظهر در شعبه ثبت کرج بمزایده بفروش میرسد طالبین میتوانند در روز مزبور در خرید شرکت نمایند وحراج از مبلغ ۵ر۴۰۳۷ ریال‌شروع خواهد شد و مالیات بر حراج نسبت بمازاد طلب بستانکار تعلق گرفته وبعهده خریدار است.

ش ۸۵۹ — تاریخ انتشار ۷ مرداد ماه ۳۲۱

رئیس ثبت کرج ـ شیخ‌الاسلامی

شرکت چاپخانه تابان



پرچم
دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

باید در ...

در گفتارهای گذشته از ... مردم کنم:

بدانید ای ایرانیان جنگ ... از دور پدیدار می‌گردد. آری روزها ... بدانید اگر آلمانها بقفقاز درآیند ایران ... اززمین و آسمان نمودار خواهد شد ... دارد و یکبردمی باید در زندگانی ... امروزهه توده‌ها ازبزرگ ... تدبیری برای نگهداری خود می‌اندیشند ... خاموش‌نشسته وبیایی مجالس‌رامیک ... و با همدستان او(از امریکا وچین) گفت ... نشان میدهندولت‌انگلیس‌هم‌آنها را ... بدرخواستها و پیامهاشان پاسخ میدهند ... مگر شما میخواهید در این ... بنشینید و چشم براه حوادث بدوزید؟ ... وزیرانی بسپارید که کمترین دلسوزی ... میکارند! ...

باید آشکاره بنویسم که آن ... رفتار جز بدبختی‌وتیره روزی‌نتواند بود ... زن وفرزند دارید: اینجا پناهگاه شما ... هیچ جا روزی برای خود و خاندان ... و فرزندان خود بجا آورید وآنان را ... کنید باید این پرده غفلت و بیباکی ... تدبیر باشید.

بدانید ای ایرانیان! شما ... درماندگی بیرون آیید راهش آنست ... بدانید ای ایرانیان ما این پرچم را برا... یکمقصد دیگری را دنبال میکنیم. این ... بتوانیم با هم میهنان دست بهم دهیم و ...

بدانید‌ای‌ایرانیان! از کو... برای رهایی خود کند سودی نباشد ... از این راهست که می‌توان به نتیجه ای ... اینجاست که ازهم پراکنده اند و هر کس ... خشم و دلتنگی میسوزد. اینان اگرهم ... در اینجا از موضوع جنگ ... ویا نکنیم. اگر آلمانها بقفقازبیایند ... که متفقین دفاع‌خواهند کرد. من درآن ... زندگانی برای یك پایه استواری‌نیست ... ازهرسوسرخواهندبرآورد، وراهها ... از این نابسامانیهاست که باید در اندیشه ... برای چنان روزی در شهرها پناهگاهها ... که اگر نیازی افتد برای نقل عده انبوه ... آماده نخواهند گردانید.

قابل توجه وزارت کشور

بودجه برق شهر داری ... مقایسه با شهرداری های کشور به نسبت ... شهرداری این پیکره را از ۶۰ هزار ... نه خیابان جدیدی در این سال ساخته ... و این پنجاه هزار ریال اضافه فقط چرا ... کرده است درصورتیکه‌ضرورتی ندارد ... خراب شده و خانه های ۲۰ و ۳۰ هزار ... به صاحبان آنها داده‌نشد اینك این بی ... کشور مروس داشته و تمنا دارادین ... آنها از بین رفته برای با رعایت قانون توسعه ... کومه برای خود بسازند.

برای تشویق ...
مصرف خواربار منازل ...
بادارات مربوطه دستور ...
۱۳۲۱ پروانه مجانی بتق...
زارعین ورعایا یا مالکین ...
بادارات دارائی داده باشند ...

شماره ۸۶۰